



تحلیل محتوای احادیث شعری

امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵

حسین صفره^۱، محمد عترت دوست^۲

چکیده

مروری بر سیره معصومان (علیهم السلام) نشان می‌دهد که امام رضا (علیه السلام) نیز از اشعار حکمت‌آمیز دیگران در کلام خود بهره برده و مضامین آن را تأیید کرده و گاه خود ابیاتی سروده‌اند. در احادیث نقل شده از امام رضا (علیه السلام)، ۵۲ بیت ذکر شده که به نظر می‌رسد ایشان به خاطر مضامین ارزشمند اخلاقی و حکمی، آن‌ها را نقل کرده و در کلام خود بدان تمثیل جسته‌اند. پاره‌ای از این اشعار تمثیل شعری امام رضا (علیه السلام) و چند بیت نیز سروده خود ایشان است. نگارندگان با استفاده از روش تحلیل محتوا، از مجموع این ۵۲ بیت شعر، در حدود ۱۰۰ مضمون و ۱۶ موضوع اصلی استخراج کرده‌اند که به اصطلاح «جهت‌گیری متن» نامیده می‌شود. این عناوین که ایده و پیام اصلی متن هستند با توجه به اصل «تبادر» به ذهن مخاطب خطور می‌کند. با «طبقه‌بندی» جهت‌گیری‌ها برای دستیابی به «مقوله»‌های تحقیق روشن شد که از ۱۶ موضوع اصلی استخراج شده، ۹ مجموعه (۵۶ درصد) به موضوع چگونگی روابط اجتماعی انسان با دیگران، چهار مجموعه (۲۵ درصد) به موضوع امور فردی و اعمال عبادی انسان و سه مجموعه (۱۹ درصد) نیز به مسئله غضب خلافت توسط حاکمان ظالم و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) اشاره دارند. لذا هدف اصلی مقاله که بیان جهت‌گیری اصلی اخبار شعری رضوی بوده، ذیل سه مقوله روابط اجتماعی، روابط فردی و روابط سیاسی طبقه‌بندی و موضوعات اصلی هر یک به تفصیل بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، شعر، تمثیل شعری، روش تحلیل محتوا.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): h.safareh@sru.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران: Etratdoost@sru.ac.ir

طرح مسئله

طبع شعر و سخن موزون یکی از نعمت‌های ارزشمند خدای متعال است که شاید پیشینه‌ای به اندازه طول حیات انسان داشته باشد. شعر هم به دلیل موسیقی و هم گزینشی بودن واژه‌ها و ترکیب‌های بدیع، گاه اثر پیام را در مخاطب صدچندان می‌کند. از این رو شاعران همواره جایگاه مهمی در میان مردم داشته‌اند (ر.ک: موسوی، بی‌تا: ۲۳۰). با وجود این شاهد هستیم که برخی شاعران این هنر را در مسیر باطل به کار گرفته و موجب وهن شعر و شاعری شده‌اند تا آن‌جا که خدای متعال در قرآن کریم فرموده: «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ * أَلَمْ تَر أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ * وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» (شعراء، ۲۲۴-۲۲۵) و بر این نکته تأکید کرده که شاعران گمراه را فقط گمراهان پیروی می‌کنند. آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردان‌اند و چیزهایی می‌گویند که انجام نمی‌دهند.

البته این وضعیت برای همه شاعران یکسان نیست و از این آیات قرآن کریم نمی‌توان نفی شعر و شاعری را برداشت کرد چرا که در ادامه همان آیات، خداوند متعال عده‌ای را استثنا کرده و فرموده است: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» (شعراء، ۲۲۷)؛ مگر کسانی [از شاعران] که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، [از خداوند و مؤمنان] یاری خواسته‌اند. بی‌شک این استثنا بیانگر آن است که شعر در صورتی که با عمل صالح و یاد خدا و همراهی مظلومان همراه باشد، ممدوح است و می‌تواند در خدمت حق و رشد و تعالی انسان قرار گیرد.

به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص شعر فرموده‌اند: «إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةً...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۷۹) پاره‌ای از شعر حکمت است. فیض کاشانی در شرح این حدیث گوید: «پاره‌ای از اشعار سخن سودمندی است که مانع جهل و سفاهت است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن دو نهدی می‌کند. مراد این سخن موعظه‌ها و مثل‌هایی است که مردم از آن‌ها سود می‌برند مانند حکمت و دانش و فهم و داوری که بر اساس عدل است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۶: ۱۶۵).

جرج جرداق، عالم مسیحی علاقه‌مند به مطالعه نهج البلاغه نیز در این باره می‌نویسد: «از آن جا که ائمه اطهار (علیهم السلام) سرآمد سخنوران و بلیغان بوده و ارزش بالایی اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به شعر، مثل و مانند آن را به خوبی می‌دانسته‌اند، لذا در سخن شفاهی یا مکتوب خود، به مقتضای حال یا مقال، به صورت‌های مختلف از آن بهره برده و با گنجینه منحصر به فرد دانش خود، در برانگیختن ذهن مخاطب، ایجاد شوق شنیدن در وی و سرعت انتقال معانی به او از طریق این اشارات مبادرت می‌ورزیدند» (جرداق، بی‌تا: ۳۲).

در میان اصحاب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) شاعرانی وجود داشتند که شعرشان در خدمت حق بوده و خودشان تا زمانی که در مسیر حق بوده‌اند، مورد تحسین معصومین (علیهم السلام) قرار داشتند. عده زیادی از این شاعران را علامه امینی در کتاب «الغدیر» یاد کرده است (ر.ک: امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۴۷-۴۹۵؛ ج ۳: ۱۱-۶۶۳).

مروری بر سیره معصومان (علیهم السلام) نشان می‌دهد که ایشان نیز در برخی موارد به سرودن شعر پرداخته و در موارد دیگری نیز از اشعار حکمت‌آمیز دیگران در کلام خود بهره جسته و مضامین آن شعر حکمت‌آمیز را تأیید کرده‌اند.

در اخبار و احادیث نقل شده از امام رضا (علیه السلام) مجموعه ابیاتی ذکر شده که به نظر می‌رسد امام (علیه السلام) به خاطر مضامین ارزشمند اخلاقی و حکمی، آن‌ها را نقل کرده و در کلام خود بدان تمثل جسته‌اند. برخی از این ابیات نیز سروده خود حضرت است که همه این موارد نیازمند تحقیق و بررسی است.

در این مقاله تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به عنوان یکی از بهترین روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور، به تجزیه و تحلیل مضامین احادیث شعری امام رضا (علیه السلام) بپردازیم که احادیث شعری رضوی خوانده می‌شود. ضمن استخراج کامل این اشعار از منابع تاریخی و روایی، مضامین اصلی و فرعی و نقاط تمرکز این اشعار احصا و دسته‌بندی شده است.

روش تحقیق

در پی توجه به دانش نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی در بررسی‌های زبان‌شناختی و متن‌پژوهی در دهه ۱۹۶۰ میلادی، روش «تحلیل محتوا» به عنوان بهترین روش ترکیبی کمی و کیفی، پای به عرصه تحقیقات علمی اندیشمندان گذاشت. در این روش، «کمیت» و به طور کلی «رویکرد کمی»^۱ به متن، کلید اصلی حل معمای فهم متن به شمار می‌رود که زمینه‌ساز ورود به عرصه تحلیل‌های کیفی بوده و بستر مناسبی برای متن‌پژوهی ترکیبی فراهم می‌آورد.

«تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹). کریپندورف نیز در کتاب خود با عنوان «مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا»، چارچوبی را برای استفاده از این روش معرفی می‌کند که دارای سه کارکرد؛ تجویزی، تحلیلی و روش‌شناختی است (ر.ک: کریپندورف، ۱۳۷۸: ۳۱). برخی نیز این روش را فن «پرسشنامه معکوس»^۲ نامیده‌اند (فیروزان، ۱۳۶۰: ۲۱۱).

روش «تحلیل محتوا» از جمله روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای است که می‌تواند به عنوان ابزاری جدید، به تحلیل نصوص دینی اعم از قرآن کریم یا احادیث بپردازد و مدلول آن‌ها را شناسایی نماید (برای نمونه ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۷۹-۱۹۲؛ عترت دوست، ۱۳۹۷: ۷۵-۱۰۳). انواع فنون روش تحلیل محتوا در منابع مختلف معرفی شده است (ر.ک: هولستی، ۱۳۷۳: ۴۷-۹۳؛ جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۲۷-۵۷).

برای مقاله حاضر از تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» به صورت «کدگذاری باز» با تأکید «قالب بیانی» و «مخاطب» استفاده شده و ضمن تأکید بر نقاط تمرکز^۳ هر متن، تلاش شده تا در نهایت جهت‌گیری^۴‌های هر کدام از مجموعه احادیث شعری رضوی نیز تعیین و تحلیل شود.

1. Quantitative Perspective
2. Inverse Questionnaire
3. Attention
4. Direction

یکی از مراحل مهم در فرایند اجرای روش تحلیل محتوا، «طبقه‌بندی»^۱ جهت‌گیری‌ها برای دستیابی به «مقوله»^۲ های تحقیق است. در مرحله طبقه‌بندی، اولاً فقط به جهت‌گیری‌های اصلی متن توجه داشته و تلاش می‌شود تا رابطه عرضی میان آن‌ها و نوع نسبتی که با همدیگر دارند، شناسایی شده و ثانیاً از تجميع موارد مشترک آن‌ها، «مقوله» ساخته شود که در حقیقت، گویای ماهیت اصلی و بنیادین متن است.

این مرحله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چراکه با تغییر هر کدام از مضامین اصلی از یک مقوله به مقوله‌ای دیگر، حجم انبوهی از مضامین و متون حدیثی کدگذاری شده، به آن مقوله جدید منتقل شده و به نوعی، ماهیت جدید دریافت می‌کنند. لذا در این مرحله می‌باید بسیار دقت شود که آیا مقوله انتخاب شده به عنوان مقوله اصلی، قابلیت تحمل و پذیرش حجم انبوهی از مضامین کدگذاری شده ذیل خود را دارد یا خیر؟ و آیا در ادامه مسیر تحلیل کیفی و توصیفی، می‌توانیم ادعا کنیم که آن بخش از مضامین، ذیل آن مقوله هستند یا خیر؟ این اقدام در نهایت منتهی به ساخت مجموعه موضوعی احادیث شده و مهم‌ترین کارکرد استفاده از روش تحلیل محتوا برای فهم حجم انبوهی از اطلاعات حدیثی پراکنده منقول از ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

تحلیل محتوای روایات شعری امام رضا (علیه السلام)

روایات شعری امام رضا (علیه السلام) به دو دسته قابل تقسیم است؛ برخی شامل تمثیل^۳ شعری حضرت است و پاره‌ای نیز اشعاری هستند که خود آن حضرت سروده است که در این جا

1. Classification

2. Categories

۳. تمثیل به شعر، یک نوع تضمین و صنعت بلاغی است (ر.ک: موسوی، بی‌تا، بخش دوم). ابن منظور گوید: «تَمَثَّلَ فُلَانٌ صَرَبَ مَثَلًا وَ تَمَثَّلَ بِالشَّيْءِ صَرَبُهُ مَثَلًا» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۶۱۲) یعنی وقتی گفته می‌شود کسی به شعری تمثیل جست یعنی از آن شعر به عنوان ضرب‌المثل استفاده کرد.

علامه شعرانی در حاشیه شرح کافی، ضمن اشاره به برتری تمثیل به آیات قرآن کریم در کلام خود، تمثیل به شعر را نیز جایز دانسته و نمونه‌های متعددی از تمثیل ائمه اطهار (علیهم السلام) به اشعار دیگران را به صورت نمونه ذکر کرده است (ر.ک: شعرانی، ۱۳۸۲ ق، ج ۷: ۵۴). علامه مجلسی معتقد است پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز به شعر تمثیل می‌جست، ولیکن روش او چنین بود که با جابه‌جایی کلمه‌ای، شعر را از حالت نظم خارج کرده و به اصطلاح آن را می‌شکست (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۵: ۲۲۹).

همه ذیل عنوان روایات شعری امام رضا علیه السلام ذکر و در خلال بحث نوع آن روشن می شود. بررسی های متعدد در منابع تاریخی و روایی نشان می دهد که مجموعه اشعار متعدد و پراکنده ای به نقل از امام رضا علیه السلام وجود دارد که در این مقاله تلاش شده ضمن احصای کامل، به تحلیل محتوای آن ها نیز پرداخته شده و مضامین اصلی و فرعی کشف و تبیین شود. این روایات بدین شرح است:

۱-۱. روایت اول

شیخ کلینی روایت کرده است که روزی مأمون از حضرت رضا علیه السلام پرسید: «هَلْ رَوَيْتَ مِنَ الشَّعْرِ شَيْئاً فَقَالَ قَدْ رَوَيْتُ مِنْهُ الْكَثِيرَ فَقَالَ أَتَشِدُّنِي أَحْسَنَ مَا رَوَيْتَهُ فِي الْحِلْمِ فَقَالَ عليه السلام؛ آیا تاکنون چیزی از شعر روایت کرده ای؟ حضرت فرمود: شعر بسیاری روایت کرده ام. مأمون گفت: پس بهترین شعری که درباره حلم برای تو گفته اند برای ما بازگوی. امام علیه السلام فرمود:

إِذَا كَانَ دُونِي مَنْ بُلِيَتْ بِجَهْلِهِ أَبَيْتُ لِنَفْسِي أَنْ تُقَابَلَ بِالْجَهْلِ
وَإِنْ كَانَ مِنِّي فِي مَحَلِّي مِنَ النَّهْيِ أَخَذْتُ بِحِلْمِي كَيْ أَجَلَ عَنِ الْمَثَلِ
وَإِنْ كُنْتُ أَدْنَى مِنْهُ فِي الْفَضْلِ وَالْحِجَى عَرَفْتُ لَهُ حَقَّ التَّقَدُّمِ وَالْفَضْلِ^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۳۷۲)

البته در کتاب «الجليس الصالح» این گفت و گو میان نضر بن شمیم و مأمون دانسته شده است (جریری، ۱۴۲۶ ق: ۲۴۶). ابن عبدربه نیز این اشعار را منقول از أحنف دانسته است (ابن عبدربه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۱۸۱).

۱. ترجمه ابیات:

۱. هر گاه من گرفتار رفتار بد کسی شوم، اگر آن کس کمتر از من باشد، خود را با او در نمی اندازم.
۲. اگر شأنش در خرد همانند من باشد، با حلم و بردباری با او رفتار می کنم تا از وی بالاتر باشم.
۳. و اما نسبت به آن که از من برتر و بالاتر است، حق بزرگتری و تقدّم و فضل را بدو می دهم.

در ادامه مأمون از شنیدن این ابیات اظهار خرسندی می‌کند و از امام (علیه السلام) می‌پرسد: «فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ مَا أَحْسَنَ هَذَا مَنْ قَالَهُ؟ فَقَالَ: بَعْضُ فِتْيَانِنَا»؛ چه کسی این ابیات را سروده است؟ امام (علیه السلام) پاسخ می‌دهند: یکی از جوانان ما. سپس مأمون درخواست می‌کند بهترین شعری را که درباره سکوت در برابر جاهل و ترک سرزنش دوست برای آن حضرت گفته‌اند، بخوانند که امام (علیه السلام) در پاسخ این ابیات را قرائت می‌فرمایند:

إِنِّي لَيَهْجُرُنِي الصَّدِيقُ تَجَنُّبًا فَأَرِيهِ أَنْ لِيَهْجُرَهُ أَسْبَابًا
وَأَرَاهُ إِنْ عَاتَبْتُهُ أَغْرَبْتُهُ فَأَرَى لَهُ تَرْكَ الْعِتَابِ عِتَابًا
وَإِذَا بَلِّيتُ بِجَاهِلٍ مُتَحَكِّمٍ يَجِدُ الْمُحَالَ مِنَ الْأُمُورِ صَوَابًا
أَوْ لَيْتُهُ مِنِّي السُّكُوتُ وَرُبَّمَا كَانَ السُّكُوتُ عَنِ الْجَوَابِ جَوَابًا^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۴-۱۷۵)

جریری به نقل از کتاب «بهجة المجالس و انس المجالس» معتقد است این ابیات متعلق به ابوالعباس ناشی است. وی سپس ابیات دیگری در همین معنا با اندکی اختلاف را از شاعران دیگر نقل کرده است (جریری، ۱۴۲۶ ق: ۲۴۶). ذهبی نیز معتقد است گوینده این اشعار ابن خرخشة بن زید (یزید) است (ذهبی، ۱۴۲۷ ق، ج ۸: ۸۰).

در ادامه مأمون مجدد ابراز خرسندی می‌کند و از گوینده ابیات می‌پرسد که امام (علیه السلام) همانند مورد قبل شاعر این اشعار را از یکی از جوانان اهل بیت می‌دانند: «فَقَالَ الْمَأْمُونُ مَا أَحْسَنَ هَذَا هَذَا مَنْ قَالَهُ فَقَالَ لِبَعْضِ فِتْيَانِنَا». مأمون سپس از امام (علیه السلام) می‌خواهد که بهترین شعری را که درباره جذب دشمن برای دوست شدن گفته‌اند، برای وی بازگوید. امام (علیه السلام) در پاسخ ابیات ذیل را قرائت می‌فرمایند:

۱. ترجمه ابیات:

۱. دوستم به قصد جدایی از من دوری می‌گزیند و من بدو می‌فهمانم که دوری گزیدن او اسبابی داشته است.
۲. و به او نشان می‌دهم که اگر در این دوری جستن به او تندی کنم، سبب دوری بیشتر او شده‌ام، پس ترک عتاب را عتاب می‌دانم.
۳. هر گاه مبتلا شوم به دوست نادان و زورگویی که امور ناشدنی را درست می‌داند.
۴. خاموشی در برابر او را سزاوار او می‌دانم؛ زیرا که خاموشی گاه جواب محسوب می‌شود.

وَذِي غَلَّةٍ سَالِمَةٍ [سَالَمْتُهُ] فَقَهَرْتُهُ فَأَوْفَرْتُهُ مِنِّي لِعَفْوِ التَّحْمَلِ
وَمَنْ لَا يُدَافِعُ سَيِّئَاتِ عَدُوِّهِ بِإِحْسَانِهِ لَمْ يَأْخُذِ الطُّوْلُ مِنْ عِلِّ
وَلَمْ أَرِ فِي الْأَشْيَاءِ أَسْرَعَ مَهْلِكًا لِعُمْرٍ قَدِيمٍ مِنْ وَدَادِ مُعْجَلٍ^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۳۷۲)

مأمون برای دفعه سوم مجدد ابراز خرسندی می‌کند و از گوینده ابیات می‌پرسد و امام (علیه السلام) همانند موارد قبل، شاعر این ابیات را از یکی از جوانان اهل بیت معرفی می‌نماید. مأمون سپس از امام (علیه السلام) می‌خواهد که بهترین شعری را که درباره رازداری برای وی گفته‌اند، بازگوید: «قَالَ فَأَنْشِدْنِي أَحْسَنَ مَا رَوَيْتَهُ فِي كِتْمَانِ السَّرِّ». امام (علیه السلام) در پاسخ درخواست وی فرمودند:

وَإِنِّي لَأَنْسَى السَّرَّ كَيْ لَا أَذِيعَهُ فَيَا مَنْ رَأَى سِرًّا يُضَانُ بَأْنٍ يُنْسَى
مَخَافَةً أَنْ يَجْرِيَ بِبَالِي ذِكْرُهُ فَيَنْبِذَهُ قَلْبِي إِلَى مُلْتَوَى الْحَشَا
فَيُوشِكُ مَنْ لَمْ يُقْشِ سِرًّا وَجَالَ فِي خَوَاطِرِهِ أَنْ لَا يُطِيقَ لَهُ حَبْسًا

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۵)

مأمون در پایان با کسب اجازه از امام رضا (علیه السلام)، دستور می‌دهد که این اشعار را مکتوب نمایند و برای فضل بن سهل ببرند و ۳۰۰ هزار درهم نیز به حضرت هدیه می‌دهند. در توضیح این که چرا امام رضا (علیه السلام) پاسخ سؤالات مأمون را داده و هدیه او را دریافت کرده‌اند، باید گفت که به نظر می‌رسد این اقدام حضرت اولاً رعایت ادب و احترام نسبت به درخواست مشروع دیگران بوده باشد، چنانکه از اخلاق کریمه اهل بیت (علیهم السلام)، پاسخگویی به

۱. ترجمه ابیات:

۱. بسا شده است که با شخص شرور و نیرنگ بازی از راه صلح و دوستی در آمده و بر وی غالب شده‌ام، و او را زیر بار گذشت خود برده گرانبار نموده‌ام.

۲. و هر کس اعمال زشت دشمن خویش را با نیکی از خود دفع نکند، او بخشش یا بردباری را از مقام بالاتری فرا نگرفته است.

۳. و من برای برطرف کردن کینه قدیمی، راهی نتیجه بخش‌تر از دوستی و مهربانی فوری ندیده‌ام.

سؤالات و درخواست‌های مشروع مردم اعم از هم‌مسلمان و مخالفان و معاندان بوده است. ثانیاً پیامبر اکرم (ص) نیز هدایای پادشاهان را قبول می‌فرمودند، همان‌گونه که امام حسن مجتبی (ع) نیز عطایای معاویه را قبول نمودند. اساساً سیره اهل بیت (ع) این بوده است که هیچ‌گاه رد احسان نکرده و عطایای دیگران را می‌پذیرفتند اگرچه بدان بی‌نیاز بوده و در اولین فرصت آن را به مستحقان و مسکینان جامعه عطا می‌نمودند. استغنا و بی‌نیازی اهل بیت (ع) از اموال دنیا و ساده‌زیستی ایشان از جمله اخبار متواتری است که موافقان و مخالفان بدان اعتراف کرده‌اند.

۱-۲. روایت دوم

روایت دوم را شیخ صدوق از معمر بن خلاد و گروهی نقل کرده است که بر امام رضا (ع) وارد شده‌اند و یکی از آنان خطاب به امام (ع) عرض کرد: «جَعَلْنَا اللَّهَ فِدَاكَ مَا لِي أَرَاكَ مُتَغَيَّرَ الْوَجْهِ»؛ خدا ما را فدایت گرداند، چرا رنگ چهره‌ات را دگرگون می‌بینم؟! امام (ع) می‌فرماید: «إِنِّي بَقِيْتُ لِيَلْتِي سَاهِرًا مُتَفَكِّرًا فِي قَوْلِ مَرْوَانَ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ»؛ من تمام شب را بیدار بودم و به گفته مروان بن ابی حفصه فکر می‌کردم که گفته است:

أَنِّي يَكُونُ وَلَا يَسْ ذَاكَ بِكَائِنٍ لِبَنِي الْبَنَاتِ وَرَاثَةُ الْأَعْمَامِ^۲

سپس حضرت می‌فرمایند که اندکی خوابیدم و در خواب دیدم که گوینده‌ای می‌گفت: «ثُمَّ نِمْتُ فَإِذَا أَنَا بِقَائِلٍ قَدْ أَخَذَ بَعْضَادَةَ الْبَابِ وَهُوَ يَقُولُ»:

أَنِّي يَكُونُ وَلَا يَسْ ذَاكَ بِكَائِنٍ لِلْمُشْرِكِينَ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ

لِبَنِي الْبَنَاتِ نَصِيبُهُمْ مِنْ جَدِّهِمْ وَالْعَمُّ مَتْرُوكٌ بِغَيْرِ سِهَامٍ

مَا لِلطَّلِيقِ وَلِلثَرَاتِ وَإِنَّمَا سَجَدَ الطَّلِيقُ مَخَافَةَ الصَّمْصَامِ

۱. مروان بن ابی حفصه از شعرای عهد عباسی است که به دلیل مدح بسیار از خلفای عباسی به ویژه مهدی و رشید، ثروت انبوهی برای خود فراهم کرده و به جهت هجو علویان، به دستگاه هارون نزدیک شده بود.

۲. ترجمه بیت: «از کجا می‌شود و این شدنی نخواهد بود که ارث عموها به دخترزاده‌ها برسد؟!».

قَدْ كَانَ أَخْبَرَكَ الْقُرْآنُ بِفَضْلِهِ فَمَصَى الْقَصَاءُ بِهِ مِنَ الْحُكَّامِ
 إِنَّ ابْنَ فَاطِمَةَ الْمُتَوَّهَ بِاسْمِهِ حَازَ الْوَرَاثَةَ عَنْ بَنِي الْأَعْمَامِ
 وَيَبْقَى ابْنُ ثَلَاثَةٍ وَاقِفًا مُتَرَدِّدًا يَنْبِكِي وَيُسْعِدُهُ ذُوو الْأَرْحَامِ^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۷۶)

علامه مجلسی در توضیح این خبر آورده است که مراد از «طریق»، عباس است که در جنگ بدر اسیر و سپس با پرداخت فدیة آزاد شد. مراد از «صمصام» نیز شمشیر برنده‌ای است که همانند ندارد. ضمیر در عبارت «بِفَضْلِهِ» نیز به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بازمی‌گردد، به دلیل سیاق و قرینه آنچه پس از آن ذکر شده زیرا مراد از «فاطمة»، فاطمه بنت اسد، مادر آن حضرت است و مراد از «ابن ثلثة» نیز عباس است، زیرا نام مادرش ثلثة بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۱۰).

۱-۳. روایت سوم

روایت سوم را شیخ صدوق به نقل از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که با سلسله سند خود از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است: «حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) يَقُولُ»:

إِنَّكَ فِي دَارٍ لَهَا مَدَّةٌ يُقْبَلُ فِيهَا عَمَلُ الْعَامِلِ

۱. ترجمه ابیات:

۱. از چه رو و برای چه و این شدنی نخواهد بود که مشرکان پرچمدار اسلام باشند.
۲. دخترزادگان نصیب ارث خود را از جدشان می‌برند، در حالی که عمو بدون سهم الارث کنار می‌رود.
۳. آن که در لشکر کفر بوده و اسیر مسلمانان شده و با فدیة آزاد گشته، چگونه ارث نبوت برد؟ چه بسا آزاد شده که از ترس شمشیر اظهار اسلام کرده.
۴. و قرآن از پیش، تو را به فضل و مقام آن که ارث بر بود (به آیه مباهله و آیه تطهیر و آیه خاتم بخشی ...) خبر داده است و آنچه از احکام در باره او بود گفته است.
۵. آن فردی که فرزند فاطمه (بنت اسد)؛ که مشهور و زبانزد همگان است، او ارث نبوت را می‌برد از عموزاده‌ها.
۶. اما فرزند ثلثة (بنت جناب، مادر عباس بن مطلب) در کنار متحیر می‌ایستد و می‌گرید و خویشانش با وی همدمی می‌کنند.

أَلَا تَرَى الْمَوْتَ مُحِيطًا بِهَا يُكَذِّبُ فِيهَا أَمْلُ الْأَمَلِ
تُعَجِّلُ الذَّنْبَ لِمَا تَشْتَهِي وَتَأْمُلُ التَّوْبَةَ فِي قَابِلِ
وَالْمَوْتُ يَأْتِي أَهْلَهُ بَغْتَةً مَا ذَاكَ فِعْلُ الْحَازِمِ الْعَاقِلِ

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۶)

در خور ذکر است که در کتاب در «سراج الملوك» این ابیات از عبدالواحد بن زید دانسته شده است (فهری، ۱۲۸۹ ق: ۱۱). شیخ مفید نیز در کتاب «الاختصاص» خود چنین ذکر می کند که این ابیات به درخواست مأمون برای موعظه توسط امام (علیه السلام) گفته شده است: «كَتَبَ الْمَأْمُونُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ عِظْنِي فَكَتَبَ...» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۹۸).

۴-۱. روایت چهارم

روایت چهارم را احمد بن حسین کاتب ابی الفیاض از پدرش نقل کرده است: «حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعُسْكِرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْفُضْلِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْحَبَّازِ سَنَةَ أَرْبَعٍ عَشْرَةَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَحْمَدَ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ كَاتِبُ أَبِي الْفَيَاضِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَضَرْنَا مَجْلِسَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (علیه السلام) فَشَكَرَ جُلَّ أَخَاهُ فَأَنْشَأَ يَقُولُ:» وی گوید: در مجلس علی بن موسی (علیه السلام) حاضر شدیم که مردی از برادرش شکایت کرد. در این هنگام امام (علیه السلام) خطاب به وی فرمودند:

أَغْذِرْ أَخَاكَ عَلَى ذُنُوبِهِ وَاسْتُرْ وَغَطَّ عَلَى عُيُوبِهِ
وَاصْبِرْ عَلَى بُهْتِ السَّفِيهِ وَلِلزَّمانِ عَلَى خُطُوبِهِ

۱. ترجمه ابیات:

۱. تو اکنون در خانه ای هستی که مدت ماندنت محدود است و در همین مدت کوتاه عمل هر عمل کننده ای مورد قبول است.
۲. آیا نمی بینی که مرگ از هر سو این سرا را فرا گرفته و آرزوی آرزومندان را بر باد می دهد؟!
۳. و در این مدت کوتاه شتابان در پی امیال نفسانی خود مرتکب گناه می شوی، و توبه و بازگشت به سوی حق را به آینده موکول می کنی.
۴. از آن جا که مرگ ناگهانی به سراغ ما می آید، چنین روشی کار انسان آینده نگر و خردمند نیست.

وَدَعَ الْجَوَابَ تَفْضُلًا وَكَلِ الظُّلُومَ إِلَى حَسِيْبِهِ^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۷)

با توجه به عبارت «فَأَنْشَأَ يَقُولُ» در متن روایت، به نظر می‌رسد این اشعار سروده خود امام رضا (علیه السلام) باشد. در هیچ کدام از کتب تاریخی و روایی نیز بر انتساب این اشعار به شخص دیگر اشاره نشده است.

۱-۵. روایت پنجم

شیخ صدوق با سلسله سندی از رِیَّان بن صلت نقل می‌کند که امام رضا (علیه السلام) برای شخصی به نام عبدالمطلب این اشعار را قرائت فرمودند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: أَتَشَدَّنِي الرَّضَا (علیه السلام) لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ»:

يَعِيبُ النَّاسُ كُلَّهُمْ زَمَانًا وَمَا لِرَمَانِنَا عَيْبٌ سِوَانَا
نَعِيبُ زَمَانَنَا وَالْعَيْبُ فِينَا وَلَوْ نَطَقَ الزَّمَانُ بِنَا هَجَانَا
وَإِنَّ الذُّبَّ يَتْرُكُ لَحْمَ ذَنْبٍ وَيَأْكُلُ بَعْضُنَا بَعْضًا عِيَانًا
لَيْسَنَا لِلْخِدَاعِ مُسَوِّكٌ طِيبٍ وَوَيْلٌ لِلْغَرِيبِ إِذَا أَتَانَا^۲

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۷)

۱. ترجمه ابیات:

۱. برادرت را در کارهای نادرست‌اش معذور بدار و بپوشان و روی زشتی‌های او پرده کش.

۲. و بر بهتانی که بی‌خرد بر تو بندد، و نیز بر حوادث سخت روزگار شکیبایی کن.

۳. و از روی لطف و بزرگی جواب او را مده و او را رها کن و ستمکار را به خدای حسابگرش واگذار.

۲. ترجمه ابیات:

۱. همه مردم از زمانه عیب‌جویی می‌کنند و از آن بد می‌گویند، اما زمانه جز خود ما عیبی ندارد.

۲. ما بر زمانه عیب می‌گیریم، حال آن‌که عیب در ماست، اگر زمانه به سخن بیاید از ما بدگویی خواهد کرد.

۳. هیچ گرگی گوشت گرگ دیگر را نمی‌خورد، اما برخی از ما آشکارا گوشت برخی دیگری را می‌خوریم.

۴. ما از خود ظاهری فریبنده نشان می‌دهیم، پس وای بر غریبی که به سوی ما بیاید!

درباره این ابیات نیز باید گفت با توجه به قرینه متصل در متن یعنی عبارت «أُنَشِّدَنِي الرُّضَا (علیه السلام) ل...» به نظر می‌رسد این ابیات نیز سروده شخص امام رضا (علیه السلام) باشند. البته مشخص نیست که این ابیات برای شخصی به نام عبدالمطلب در عصر امام رضا (علیه السلام) سروده شده یا منظور جد بزرگوار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. برخی شارحان معتقدند که مقصود آن بزرگوار، مذمت غیبت کردن از دیگران است، خاصه در حق اولاد عبدالمطلب که همانا اهل بیت (علیهم السلام) و خاندان ایشان هستند.

۱-۶. روایت ششم

روایت ششم، خبری است که گویا امام رضا (علیه السلام) به نقل از پدران بزرگوارش، شعری را از امام علی (علیه السلام) روایت کرده‌اند: «حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالْقَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الرُّمَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا (علیه السلام) عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ (علیه السلام) قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) يَقُولُ:»

خُلِقَتِ الْخَلَائِقُ فِي قُدْرَةٍ فَمِنْهُمْ سَخِيٌّ وَمِنْهُمْ بَخِيلٌ
فَأَمَّا السَّخِيُّ فَفِي رَاحَةٍ وَأَمَّا الْبَخِيلُ فَشَوْمٌ طَوِيلٌ^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۷)

کاملاً مشخص است که این ابیات، سروده امام علی (علیه السلام) است و امام رضا (علیه السلام) ضمن تصریح به این مطلب، به کلام آن حضرت تمثیل جسته‌اند.

۱. ترجمه ابیات:

۱. مردم بر یک فطرت و با قدرت یک خدا آفریده شده‌اند، اما برخی بخشنده و پاره‌ای تنگ‌نظرند.
۲. آن‌که سخی است پس در راحتی و آسایش است و آن‌که بخیل است در بدیمنی دور و دراز است.

۷-۱. روایت هفتم

شیخ صدوق خبر شعری هفتم را با سند خود از محمد بن یحیی بن ابی عباد نقل می‌کند که گوید: روزی از امام رضا (علیه السلام) شنیدم که شعری را زمزمه می‌کنند در حالی که آن حضرت بسیار کم شعر می‌خواندند: «حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ أَبِي عَبَادٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا (علیه السلام) يَوْمًا يُنْشِدُ وَقَلِيلًا مَا كَانَ يُنْشِدُ شِعْرًا:

كُنَّا نَأْمَلُ مَدًّا فِي الْأَجَلِ وَالْمَنَايَا هُنَّ أَقَاتُ الْأَمَلِ
لَا تَعْرِفُكَ أَبَا طَيْلِبُ الْمُنَى وَالزَّيْمُ الْقَصْدُ وَدَعُ عَنْكَ الْعِلَلُ^۱
إِنَّمَا الدُّنْيَا كَطِلٍّ زَائِلٍ حَلَّ فِيهِ زَاكِبٌ ثُمَّ رَحَلَ^۲

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۸)

در ادامه راوی به آن حضرت عرض می‌کند که: خداوند وجود شما را عزیز بدارد، این اشعار از کیست؟ حضرت فرمودند: «یکی از عراقی‌های خودتان». وی می‌گوید: «ابو العتاهیه این اشعار را از خود برایم خوانده است». امام (علیه السلام) در این هنگام بدون اشاره به صحت این انتساب و نام بردن از شاعر، با اشاره به لقب بیان شده، می‌فرمایند: «هَاتِ اسْمَهُ وَدَعُ عَنْكَ هَذَا، إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَقُولُ: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات؛ ۱۱) وَلَعَلَّ الرَّجُلَ يَكْزُرُهُ هَذَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۸)؛ وی را به نامش بخوان و این طرز سخن گفتن را واگذار که خدای متعال می‌فرماید: «همدیگر را با لقب‌های زشت نخوانید!» شاید آن مرد این لقب را ناخوش داشته باشد.

توضیح اینکه واژه «العتاهیه» مصدر است و معنی آن گمراهی و بی‌خردی است و نام

۱. در یکی از نسخه‌ها به جای «الْقَصْدُ»، واژه «الصُّمْتُ» آمده است.

۲. ترجمه ابیات:

۱. همه ما آرزو داریم که مرگ ما را مهلت دهد، در حالی که مرگ‌ها خود نابودکننده آرزوها هستند.

۲. آرزوهای دروغین تو را فریب ندهد و پایبند میانه روی باش و ناراستی و نادرستی را کنار گذار.

۳. زیرا که دنیا سایه‌ای ناپایدار، [و کاروان‌سرای] است که سواری در آن بار می‌اندازد و سپس کوچ می‌کند.

اصلی شاعر در کتب تاریخی و تراجم، اسماعیل بن قاسم ذکر شده و کنیه اش ابواسحاق است. گفته شده مهدی عباسی به دلیل ماجرای که میان او و کنیز مهدی به نام «عتبه» رخ داد، بدو گفته «اراک مختلطاً متعتّها»؛ تو را مجنون و یاهو سرا می بینم و از آن زمان وی را «ابو العتاهیه» لقب داده است (ابن بابویه، بی تا، ج ۲: ۴۱۴).

۸-۱. روایت هشتم

خبر شعری هشتم با سلسله سند ذیل نقل شده است: «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ...». در این روایت از ابراهیم بن محمد حسنی نقل شده است که روزی مأمون، کنیزی را به عنوان هدیه نزد امام رضا (علیه السلام) فرستاد. هنگامی که کنیز بر امام (علیه السلام) وارد شد، سپیدی موی امام (علیه السلام) و کهن سالی ایشان را ناخوش داشت. امام (علیه السلام) نیز چون کراحت او را دید، وی را نزد مأمون بازگردانده و این ابیات را برایش نگاشتند: «بَعَثَ الْمَأْمُونُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (علیه السلام) جَارِيَةً فَلَمَّا أُدْخِلَتْ إِلَيْهِ اشْمَازَتْ مِنَ الشَّيْبِ فَلَمَّا رَأَى كَرَاهِيَّتَهَا رَدَّهَا إِلَى الْمَأْمُونِ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ بِهَذَا الْبَيْتِ شِعْرًا:

نَعَى نَفْسِي إِلَى نَفْسِي الْمَشِيبِ	وَعِنْدَ الشَّيْبِ يَتَغَطَّى اللَّيْبُ
فَقَدْ وَلَّى الشَّبَابَ إِلَى مَدَاهِ	فَلَسْتُ أَرَى مَوَاضِعَهُ يَتُوبُ
سَابَّكِيهِ وَأَنْدَبُهُ طَوِيلًا	وَأَدْعُوهُ إِلَى عَسَى يُجِيبُ
وَهَيْهَاتَ الَّذِي قَدْ فَاتَ عَنِّي	تُمَيِّنِي بِهِ النَّفْسُ الْكُذُوبُ
وَرَاغَ الْغَائِيَاتِ بَيَاضَ رَأْسِي	وَمَنْ مُدَّ الْبَقَاءُ لَهُ يَشِيبُ
أَرَى الْبَيْضَ الْحَسَانَ يَجْدُفُ [يَحْدُنْ] عَنِّي	وَفِي هَجْرَانِهِنَّ لَنَا نَصِيبُ
فَإِنْ يَكُنِ الشَّبَابُ مَضَى حَبِيبًا	فَإِنَّ الشَّيْبَ أَيْضًا لِي حَبِيبُ

سَأَصْحَبُهُ يَتَّقُوا اللَّهَ حَتَّى

يُفَرِّقَ بَيْنَنَا الْأَجَلَ الْقَرِيبُ^۱

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۷۸)

در کتب روایی نسبت به انتساب این ابیات به امام رضا (علیه السلام) تصریح نشده است و برخی معتقدند به دلیل مضامین عادی و معمولی که این ابیات دارد و افسوس گذران عمر را بیان می‌کند، بعید است این اشعار متعلق به آن حضرت باشد.

۹-۱. روایت نهم

شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا»، خبر شعری نهم را با سند خود از ابراهیم بن عباس نقل می‌کند و گوید: «حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَيْهَقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الصُّوْلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو ذَكْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ: كَانَ الرَّضَا (علیه السلام) يُنْشِدُ كَثِيرًا:

إِذَا كُنْتُ فِي خَيْرٍ فَلَا تَغْتَرِبْ بِهِ وَلَكِنْ قُلِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَتَمِّمْ^۲

از آن جا که این بیت متضمن جمله‌ای دعایی است و در کتب حدیثی نیز به نقل از امام رضا (علیه السلام) گفته شده و شخصی بر انتساب آن به شاعر دیگری تصریح نکرده است، به نظر می‌رسد این بیت نیز از سروده‌های حضرت باشد. نکته جالب این جاست که اگرچه برخی از راویان اشاره کرده‌اند که امام رضا (علیه السلام) خیلی کم شعر می‌گفتند، اما در این

۱. ترجمه ابیات:

۱. پیری و سپیدی مویم به من خبر مرگم را می‌دهد و شخص زیرک و هشیار هنگام پیری نصیحت پذیر است.
۲. آری ایام جوانی سپری شد و مدتش به آخر رسید و دیگر بازگشتنی از آن به جای خود، نخواهم دید.
۳. در فراق و دوریش می‌گیرم و ناله سر می‌دهم و همواره او را می‌خوانم، باشد که بپذیرد و بازگردد.
۴. و هیئات که آنچه را که از دست داده‌ام این نفس دروغزن مرا به آرزوی بازگشت آن وامی‌دارد.
۵. زنان زیبا و خوش اندام از موی سفید من می‌هراسند و هر کس که بودنش طول کشید، پیر خواهد گشت.
۶. نکورویان سیمین تن را می‌نگرم که از من گریزانند و مفارقت و جدایی آنان ما را اکنون نصیب است.
۷. پس اگر جوانی که اکنون گذشته است محبوب ما بود، اینک پیری هم همچنان برای من محبوب است.
۸. من با همین پیری و سالخوردگی رفاقت کرده و دوست می‌شوم با پروای از خداوند تا اینکه اجل که چندان هم از آمدنش نمانده است، فرا رسد و میان من و او جدایی اندازد.

۲. ترجمه بیت:

وقتی در خوشی و راحتی، زندگی می‌کنی بدان مغرور مشو، بلکه بگو: خداوندا! تنم را سالم و نعمتات را بر من تمام کن.

روایت ذکرشده است که آن حضرت بیت مذکور را بسیار تکرار می کردند. البته در کتاب «معجم السفر» آمده است که این شعر متعلق به ابوالحسن علی بن عبدالکریم مغربی است (ر.ک: سلفی اصفهانی، بی تا: ۳۰۸) ولیکن این قول بعید به نظر می رسد.

۱-۱۰. روایت دهم

در کتاب شریف «کافی»، روایتی طولانی ذکرشده است بدین صورت که یسع بن حمزه گوید: در مجلس حضرت رضا (علیه السلام) بودم و عده زیادی نیز در خدمتش بودند و از مسائل حلال و حرام می پرسیدند. در این موقع مردی بلندقد و گندمگون وارد شد و عرض کرد یا ابن رسول الله، سلام علیکم، من مردی از دوستان و ارادتمندان شما خانواده هستم. از مکه می آیم، پول خود را گم کرده ام و آن قدر ندارم که مرا به وطنم برساند. اگر صلاح بدانید به من کمک کنید تا به شهر خود برسم. در آن جا من ثروتمند هستم و خدا مرا از نعمت خویش بهره مند ساخته است. وقتی به شهر خود رسیدم آنچه را به من عنایت کرده اید، از طرف شما صدقه می دهم چون خود نمی توانم از صدقه استفاده کنم، امام رضا (علیه السلام) خطاب به وی فرمود: «فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ اجْلِسْ رَحِمَكَ اللَّهُ؛ خدا رحمتت کند، بنشین. سپس رو به مردم کرده و به صحبت کردن با آنان ادامه دادند تا اینکه همه متفرق شدند و آن مرد با سلیمان جعفری و جثیمه و من باقی ماندیم. آن گاه امام (علیه السلام) فرمودند: «فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَأْذُنُونَ لِي فِي الدُّخُولِ؛ آیا اجازه می دهید من وارد اندرون شوم. سلیمان عرض کرد: خدا شما را موفق کند.

امام (علیه السلام) وارد اطاق اندرونی شده و پس از چند لحظه، در را باز کرده و از همان پشت در، دست خود را خارج نمودند و فرمودند: «أَيْنَ الْخُرَّاسَانِيُّ؛ خراسانی کجاست؟. عرض کرد من این جا هستم. حضرت خطاب به وی فرمود: «خُذْ هَذِهِ الْمَائَتِي دِينَارٍ وَاسْتَعِنْ بِهَا فِي مَوْتِنِكَ وَنَفَقَتِكَ وَتَبَرُّكِ بِهَا وَلَا تَصَدَّقْ بِهَا عَنِّي وَاحْرُجْ فَلَا أَرَاكَ وَلَا تَرَانِي؛ این ۲۰۰ دینار را بگیر و از آن برای مخارج خویش استفاده کن و به آن تبرک بجو. نمی خواهد از طرف من صدقه بدهی. برو که مرا نبینی و من تو را نبینم.

سپس آن مرد خارج شد. سلیمان عرض کرد: خیلی به او لطف کردید و مورد شفقت خویش قرارش دادید اما چرا صورت خود را از او پوشانیدید؟ حضرت فرمودند: «مَخَافَةً أَنْ أَرَى ذُلَّ السُّؤَالِ فِي وَجْهِهِ لِقَضَائِي حَاجَتَهُ، أَمَّا سَمِعْتَ حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ تَعْدِلُ سَبْعِينَ حِجَّةً وَالْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَحْدُولٌ وَالْمُسْتَتِرُ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ»؛ ترسیدم به خاطر برآوردن نیازش از سوی من، خواری سؤال را در چهره‌اش ببینم. آیا حدیث پیامبر خدا ﷺ را نشنیده‌ای که فرمود: هر کس نیکی را پنهان کند، برابر هفتاد حج است و کسی که کار بد را آشکار کند، خوار است و هر کس پنهان سازد، خدایش او را می‌آمرزد. سپس آن حضرت بدین بیت شعر استناد کرده و فرمودند: «أَمَّا سَمِعْتَ قَوْلَ الْأَوَّلِ:

مَتَى آتِهِ يُؤْمَأُ لِأَطْلَبَ حَاجَةً رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَوَجَّهِي بِمَائِهِ ۱

آیا این گفته پیشینیان را نشنیده‌ای که: روزی به خاطر نیازی نزد شخص کریم آمدم و با آبروی محفوظ نزد خانواده‌ام برگشتم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۳-۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۰۱؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۲۱۹-۲۲۰). امام (علیه السلام) به صراحت بیان کرده‌اند که این بیت متعلق به شعرای گذشته است و از آن جا که امام رضا (علیه السلام) در این روایت به بیت شعری استناد کردند، لذا در این مقاله از این روایت نیز استفاده کردیم.

۱-۱۱. روایت یازدهم

روایت دیگری که از امام رضا (علیه السلام) نقل شده، این است که ابراهیم بن عباس گوید: هرگاه امام رضا (علیه السلام) بر سر سفره طعام می‌نشست، خدمتکاران خود و حتی نگهبان و دربان را نیز بر سر سفره می‌نشاند و این ابیات از آن حضرت (علیه السلام) است:

لَبِستُ بِالْعِفَّةِ ثَوْبَ الْغِنَى وَصِرْتُ أَمْشِي شَامِحَ الرَّأْسِ
لَسْتُ إِلَى النَّسَاسِ مُسْتَأْنَسًا لَكِنِّي أَنَسُ بِالنَّاسِ

۱. ترجمه بیت:

روزی به خاطر نیازی نزد شخص کریم آمدم و با آبروی محفوظ نزد خانواده‌ام برگشتم

إِذَا رَأَيْتُ النَّيَّةَ مِنْ ذِي الْغَنَى تَهْتُ عَلَى النَّائَةِ بِالْيَأْسِ
مَا أَنْ تَفَاخَرْتُ عَلَى مُعْدِمٍ وَلَا تَصْغَعْتُ لِإِفْلَاسٍ^۱

در کتب روایی و حدیثی این اشعار به امام رضا (ع) انتساب داده شده و از ایشان دانسته شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴: ۳۶۲؛ بحرانی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲۲: ۱۹۰).

۱-۱۲. روایت دوازدهم

روایت دیگری که از امام رضا (ع) نقل شده، این است که ابراهیم بن هاشم از عبدالسلام بن صالح هروی نقل کرده که گفت: «دعبل بن علی خزاعی رحمة الله علیه بر امام علی بن موسی الرضا (ع) وارد شد و به آن حضرت عرضه داشت: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (ع) إِنِّي قَدْ قُلْتُ فِيكَ قَصِيدَةً وَآلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَنْشِدَهَا أَحَدًا قَبْلَكَ»؛ ای پسر رسول خدا من قصیده ای درباره شما سروده ام و با خود عهد کرده ام که آن قبل از شما برای کسی نخوانم. امام رضا (ع) بدو فرمود: «هَاتِهَا»؛ بخوان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۶۳). سپس دعبل شروع کرد به خواندن قصیده بلند خود که با بیت ذیل شروع می شود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنْزِلٌ وَحْيٍ مُقْفَرُ الْعَرَصَاتِ^۲

در بین قرائت اشعار دعبل، گاه امام (ع) گریسته و او را تصدیق کرده و گاه او را دعا نموده و وقتی به این بیت رسیدند که می گفت:

وَقَبْرٌ بَبْغَدَادَ لِنَفْسٍ رَزِيَّةٍ تَصَمَّنَهَا الرَّحْمَنُ فِي الْعُرْفَاتِ^۳

۱. ترجمه ابیات:

۱. با عفت و پاکی، لباس بی نیازی را پوشیدم، و سربلند زندگی کردم.
۲. با دیوان و نامردمان انس نگرفتم، اما با مردم انس و الفت داشتم.
۳. هنگامی که ثروتمند را سرگردان دیدم، از گمراه - خودخواه - نومید شدم.
۴. هرگز به چیزی که نابودشدنی است، افتخار نکردم و برای ورشکستگی سست نشدم.
۲. ترجمه بیت: خانه هایی که محل درس و بحث آیات خدا بود، از تلاوت خالی گردیده است و محل نزول وحی مانند بیابان خالی از ساکنان شده است.
۳. ترجمه بیت: و قبری که در بغداد است بری انسانی پاکیزه که خداوند رحمان او را در غرفه های بهشت، مشمول رحمت خود ساخته است.

امام رضا (علیه السلام) خطاب به دعبل فرمودند: «آیا دویبت به این قسمت نیفزایم تا قصیده ات بدان تمام و کامل شود؟!» دعبل عرض کرد: «یا ابن رسول الله بفرمایید». سپس امام (علیه السلام) فرمودند:

وَقَبْرِ طُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ
تَوْقَدُ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرْقَاتِ
إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا
يُفْرَجُ عَنَّا الِهِمَمُ وَالْكَرْبَاتِ^۱

پس از آن دعبل عرض کرد: یا ابن رسول الله (علیه السلام)، این قبر که در طوس است از آن کیست؟ حضرت رضا (علیه السلام) فرمودند: «قبر من است. شب‌ها و روزها سپری نمی‌شود، مگر این که طوس محل رفت و آمد شیعیان و زائران من باشد. بدانید هر کس مرا در غریبی ام در طوس زیارت کند، روز قیامت گناهان او آمرزیده شود و در درجه من با من باشد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۶۳).

تحلیل محتوای احادیث شعری رضوی

از آن جا که بررسی‌های روایی انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد، امام رضا (علیه السلام) در سخنان و کلمات گهربار خود هم به سرودن شعر پرداخته و اشعاری از جانب خود بیان کرده‌اند و هم بخشی از اشعار دیگران را اقتباس کرده و در ضمن بیانات خود، به کار برده‌اند، لذا در این مقاله به منظور بررسی همه این اشعار اعم از آن‌هایی که خود امام سروده یا آن اشعاری که دیگران سروده‌اند و مورد استفاده امام (علیه السلام) واقع شده‌اند، از اصطلاح «روایات شعری امام رضا (علیه السلام)» استفاده خواهد شد. این اصطلاح به صورت عام برای همه اشعار مذکور در این مقاله به کار گرفته و در جدول ذیل تحلیل شده است.

در ادامه به منظور دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل احادیث شعری رضوی با استفاده از روش تحقیق میان‌رشته‌ای «تحلیل محتوا»^۲ که روشی مناسب برای پژوهش‌های متن‌محور است، به تحلیل احادیث شعری رضوی پرداخته‌ایم. برای این مقاله از تکنیک «تحلیل

۱. ترجمه ابیات:

قبری در شهر طوس است که و امصیبتا از آن که مصیبت‌های صاحب آن قبر تا آخر الزمان در اعضا و رگ و ریشه بدن شعله می‌زند تا اینکه خداوند قائم (عجل الله تعالی فرجه) را از ما اهل بیت برمی‌انگیزد و او از ما غمگساری و اندوه‌زدایی می‌کند.

2. Content Analysis

محتوای مضمونی» به صورت «کدگذاری باز» با تأکید «قالب بیانی» و «مخاطب» استفاده شده و ضمن تأکید بر نقاط تمرکز^۱ هر متن، تلاش شده تا در نهایت جهت گیری^۲ های هرکدام از مجموعه احادیث شعری رضوی نیز تعیین و تحلیل شود. جدول تحلیل محتوای این اشعار بدین صورت است:

جدول ۱- تحلیل محتوای احادیث شعری رضوی

سند	شاعر	ردیف	متن شعر	جهت گیری	نقطه تمرکز	کد شناسه
حدیث اول	یکی از جوانان اهل بیت (ع)	۱	إِذَا كَانَ دُونِي مَنْ يُلِيْتُ بِهِ لَهْلَه * أَيْتُ لِنَفْسِي أَنْ تُقَابِلَ بِالْجَهْلِ	چگونگی رابطه با مردم (عام)	پرهیز از مجادله با افراد پست و حقیر	۱-۱-۸
			هرگاه من گرفتار رفتار بد کسی شوم، اگر آن کس کمتر از من باشد، خود را با او در نمی اندازم.		مجادله با افراد حقیر، شأن انسان را کاهش می دهد	۲-۱-۸
		۲	وَإِنْ كَانَ مِثْلِي فِي مَخْلِي مِنَ الْهَيْ * أَخَذْتُ بِجَلْمِي كَيْ أَجِلَ عَنِ الْمِثْلِ		توصیه به رفتار مسالمت آمیز با افراد خردمند و عاقل	۳-۱-۸
	یکی از جوانان اهل بیت (ع)	۳	وَإِنْ كُنْتُ أَدْنَى مِنْهُ فِي الْفَضْلِ وَالْجَبِي * عَزَفْتُ لَهُ حَقَّ التَّقْدُمِ وَالْفَضْلِ		حلم و بردباری باعث افزایش شأن انسان می شود	۴-۱-۸
			و اما نسبت به آن که از من برتر و بالاتر است، حق بزرگتری و تقدّم و فضل را بدو می دهم.		توصیه به رعایت ادب و احترام نسبت به افراد والامقام و بزرگسال	۵-۱-۸
		۴	إِنِّي لَيَهْجُرُنِي الصَّدِيقُ تَجْنِبًا * فَأَرَبِهِ أَنْ لِيَهْجُرَهُ أَشْبَابًا	چگونگی رابطه با دوستان (خاص)	تلاش برای تداوم رابطه دوستی	۶-۱-۸
	یکی از جوانان اهل بیت (ع)		دوستم به قصد جدایی از من دوری می گزیند و من بدو می فهمانم که دوری گزیدن او اسبابی داشته است.		تلاش برای شناسایی عوامل اختلاف و تفرقه در جامعه	۷-۱-۸

1. Attention
2. Direction

۸-۱-۸	پرهیز از تندى و سرزنش دوستان	چگونگی رابطه با دوستان (خاص)	وَ أَرَاهُ إِنْ عَاتَبْتَهُ أَغْرَبْتَهُ * فَأَرَى لَهُ تَرَكَ الْعِتَابِ عِتَابًا	۵	یکی از جوانان اهل بیت (علیهم السلام)
۹-۱-۸	توصیه به مدارا و ملایمت با دوستان		و به او نشان می‌دهم که اگر در این دوری جستن به او تندى کنم، سبب دوری بیشتر او شده‌ام، پس ترك عتاب را، عتاب می‌دانم.		
۱۰-۱-۸	پرهیز از دوستی با افراد نادان و زورگو		وَ إِذَا بُلِيتُ بِجَاهِلٍ مُنَحَكَمٍ * يَجِدُ الْمُخَالَ مِنْ الْأُمُورِ صَوَابًا	۶	
			هرگاه مبتلا شوم به دوست نادان و زورگویی که امور ناشدنی را درست می‌داند،		
۱۱-۱-۸	توصیه به سکوت در برابر دوستان نادان		أُولَئِئِهِ مَنِّي السُّكُوتُ وَ رُبَّمَا * كَانَ السُّكُوتُ عَنِ الْجَوَابِ جَوَابًا	۷	
۱۲-۱-۸	سکوت، بهترین پاسخ برای افراد نادان و ابله است		خاموشی در برابر او را سزاوار او می‌دانم؛ زیرا که خاموشی گاه جواب محسوب می‌شود.		
۱۳-۱-۸	توصیه به رفتار مسالمت‌آمیز با افراد شرور و فریبکار		چگونگی رابطه با دشمنان (خاص)	وَ ذِي غَلَّةٍ سَالِمَةٍ [سَالِمَتُهُ] فَفَهَرْتُ * فَأَوْقَرْتُهُ مِنِّي لَعْنُو التَّحْمَلِ	
۱۴-۱-۸	توصیه به عفو و گذشت در روابط اجتماعی	بسا شده است که با شخص شرور و نیرنگ بازی از راه صلح و دوستی در آمده و بر وی غالب شده‌ام و او را زیر بار گذشت خود برده گرانبار کرده‌ام.			
۱۵-۱-۸	پاسخگویی به اعمال زشت دیگران با رفتار نیک و بخشش	وَ مَنْ لَا يُدَافِعُ سَيِّئَاتِ عَدُوِّهِ * بِإِحْسَانِهِ لَمْ يَأْخُذِ الطَّوْلُ مِنْ عَلِيٍّ		۹	
۱۶-۱-۸	لزوم فرا گرفتن اخلاق نیک و بخشش از بزرگان دینی (اهل بیت)	و هر کس اعمال زشت دشمن خویش را با نیکی از خود دفع نکند، او بخشش یا بردباری را از مقام بالاتری فرا نگرفته است.			
۱۷-۱-۸	بهترین راه برای برطرف کردن کینه‌های قدیمی، دوستی و مهربانی است.	وَ لَمْ أَزِ فِي الْأَشْيَاءِ أَشْرَعَ مَهْلَكًا * لِيُغْمِرَ قَدِيمٍ مِنْ وَدَادٍ مُعْجَلٍ		۱۰	
۱۸-۱-۸	توصیه به عفو و گذشت در مخاصمات و دشمنی‌ها	من برای برطرف کردن کینه قدیمی، راهی نتیجه بخش‌تر از دوستی و مهربانی فوری ندیده‌ام.			

۱۱	یکی از جوانان اهل بیت (علیهم السلام)	چگونگی رابطه با دوستان (خاص)	وَإِنِّي لَأَتَسَّى السَّرَّ كَيْ لَا أُذِيعُهُ * فَيَا مَنْ رَأَى سِرّاً يُضَانُ بَأَن يُنْسَى
			همانا فراموش می کنم راز را تا اینکه شیوع ندهم آن را، پس ای کسی که راز کسی را دیدی، آن راز محفوظ خواهد شد با فراموش کردن.
			مَخَافَةُ أَنْ يَجْرِيَ بِنَالِي ذِكْرُهُ * فَيَنْبِذَهُ قَلْبِي إِلَى مُلْتَوَى الْحَشَا
۱۲			زیرا که اگر فراموش نکنم باید بترسم از اینکه یاد آن در خاطر جاری شود و قلب من آن سر را بر اطراف دل من افکند.
			فَيُوشِكُ مَنْ لَمْ يُفَشِ سِرّاً وَ جَالَ فِي * خَوَاطِرِهِ أَنْ لَا يُطِيقَ لَهُ حَسْبَا
۱۳			پس کسی که افشای سر نکند اما در خاطر خود بگذارند، نزدیک است که آن سر را نتواند در قلب خود نگه دارد و افشا کند.
۱۴	مروان بن ابی حفصه	غصب خلافت	أَنْتَ يَكُونُ وَ لَيْسَ ذَاكَ بِكَائِنٍ * لِبَنِي الْبَنَاتِ وَ زَاثَةُ الْأَعْمَامِ
			از کجا می شود و این شدنی نخواهد بود که ارث عموها به دخترزاده ها برسد.
۱۵			أَنْتَ يَكُونُ وَ لَيْسَ ذَاكَ بِكَائِنٍ * لِمُشْرِكِينَ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ
			از چه رو و برای چه و این شدنی نخواهد بود که مشرکان پرچمدار اسلام باشند.
۱۶	امام رضا (علیه السلام)	معرفی اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنان آن ها	لِبَنِي الْبَنَاتِ نَصِيْبُهُمْ مِنْ جَدِّهِمْ * وَ الْعَمُّ مَثْرُوكٌ بِغَيْرِ سَهْمٍ
			دخترزادگان نصیب ارث خود را از جدشان می برند، در حالی که عمو بدون سهم الارث کنار می رود.
۱۷			مَا لِلطَّلِيقِ وَ لِلتَّرَاثِ وَ إِيْمَا * سَجَدَ الطَّلِيقُ مَخَافَةَ الصُّمَامِ
			آن که در لشکر کفر بوده و اسیر مسلمانان شده و با فدیة آزاد گشته، چگونه ارث نبوت برد؟ چه بسا آزاد شده که از ترس شمشیر اظهار اسلام کرده.
۱۸	روایت دوم		
۱۹			
۲۰			
۲۱			
۲۲			
۲۳			
۲۴			
۲۵			
۲۶			
۲۷			
۲۸			

روایت دوم	امام رضا (علیه السلام)	معرفی اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنان آنها	۱۸	قَدْ كَانَ أَحَبَّكَ الْقُرْآنُ بِفَضْلِهِ * فَمَضَى الْقَصَاةَ بِهِ مِنْ الْحُكَامِ	معرفی مقام و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن کریم، دلیل فضیلت ایشان است	۲۹-۱-۸
				و قرآن از پیش، تو را به فضل و مقام آن که ارث بر بود، خبر داده است و آنچه از احکام درباره او بود، گفته است.	حق خلافت اهل بیت در قرآن کریم بیان شده است	۳۰-۱-۸
			۱۹	إِنَّ ابْنَ فَاطِمَةَ الْمُئْوَةَ بِاسْمِهِ * حَازَ الْوَرَاثَةَ عَنْ بَنِي الْأَعْمَامِ	اشاره خاص به حق ولایت و خلافت امام علی (علیه السلام)	۳۱-۱-۸
				آن فردی که فرزند فاطمه (بنت اسد) که مشهور و زبانزد همگان است، او ارث نبوت را از عموزاده‌ها می‌برد.	تبیین مقبولیت خلافت امام علی (علیه السلام) در جامعه	۳۲-۱-۸
			۲۰	و بَقِيَ ابْنُ ثَلَّةٍ وَاقِفًا مُتَرَدِّدًا * يَبْكِي وَ يُسْعِدُهُ دُؤُو الْأَرْحَامِ	فضیلت و شخصیت امام علی (علیه السلام) برای همگان آشکار و واضح است	۳۳-۱-۸
				اما فرزند تنبله (بنت جناب، مادر عباس بن مطلب) در کنار متحیر می‌ایستد و می‌گرید و خویشانش با وی همدمی می‌کنند.	اشاره به فرجام بد خاندان بنی عباس	۳۴-۱-۸
روایت سوم	نامشخص	چیستی دنیا و مرگ	۲۱	إِنَّكَ فِي دَارٍ لَهَا مُدَّةٌ * يُقْبَلُ فِيهَا عَمَلُ الْعَامِلِ	توصیه به انجام عمل در مدت زمان محدود زندگی دنیایی	۳۵-۱-۸
				تو اکنون در خانه‌ای هستی که مدت ماندنت محدود است و در همین مدت کوتاه عمل هر عمل کننده‌ای مورد قبول است.	دنیا محل عمل و آخرت محل محاسبه اعمال است	۳۶-۱-۸
			۲۲	أَلَا تَرَى الْمَوْتَ مُحِيطًا بِهَا * يُكَذِّبُ فِيهَا أَمَلَ الْأَمِلِ	هشدار درباره فرارسیدن مرگ و اتمام زندگی دنیایی	۳۷-۱-۸
				آیا نمی‌بینی که مرگ از هر سو این سرا را فرا گرفته و آرزوی آرزومندان را بر باد می‌دهد؟	مرگ، نابود کننده آرزوهای انسان است.	۳۸-۱-۸
			۲۳	تُعْجَلُ الدُّنْيَا لِمَا تَشْتَهِي * وَ تَأْمُلُ التَّوْبَةَ فِي قَابِلِ	پرهیز از ارتکاب گناه و موکول کردن توبه به آینده	۳۹-۱-۸
				و در این مدت کوتاه شتابان در پی امیال نفسانی خود مرتکب گناه می‌شوی، و توبه و بازگشت به سوی حق را به آینده موکول می‌کنی.	زندگی دنیا بسیار کوتاه و گذرا است.	۴۰-۱-۸

روایت سوم	نامشخص	۲۴	و الْمَوْتُ يَأْتِي أَهْلَهُ بَغْتَةً * مَا ذَاكَ فِعْلُ الْحَازِمِ الْعَاقِلِ	چیستی دنیا و مرگ	روش انسان‌های عاقل، انجام عمل صالح و توبه است	۴۱-۱-۸
			از آن جاکه مرگ ناگهانی به سراغ ما می‌آید، چنین روشی کار انسان آینده‌نگر و خردمند نیست.		آینده‌نگری یعنی تعجیل در توبه	۴۲-۱-۸
		۲۵	أَعْذِرُ أَخَاكَ عَلَى ذُنُوبِهِ * وَ اسْتَزِرْ وَ عَطُ عَلَى عُيُوبِهِ		توصیه به پذیرش عذر دیگران	۴۳-۱-۸
			برادرت را در کارهای نادرستش معذور بدار و بیوشان و بر روی زشتی‌های او پرده کش.		نادیده گرفتن اشتباهات و عیوب دیگران	۴۴-۱-۸
		۲۶	وَ اصْبِرْ عَلَى بُهْتِ السَّفِيهِ * وَ لِلزَّمَانِ عَلَى خُطُوبِهِ	چگونگی رابطه با دوستان (خاص)	صبر در مقابل ناملایمات زندگی	۴۵-۱-۸
			و بر تو بهتانی که ببخرد بر تو بندد و نیز بر حوادث سخت روزگار شکیبایی کن.		صبر در مقابل رفتار نادرست دیگران	۴۶-۱-۸
		۲۷	وَ دَعِ الْجَوَابَ تَفَضُّلاً * وَ كُلِ الطَّلُومَ إِلَى حَسِيبِهِ		صبر نسبت به ظلم و ستم دیگران	۴۷-۱-۸
			و از روی لطف و بزرگی جواب او را مده و او را رها کن، و ستمکار را به خدای حسابگرش واگذار.		واگذار کردن ظالمان به خداوند حسابگر	۴۸-۱-۸
		۲۸	يَعِيبُ النَّاسُ كُلَّهُمْ زَمَاناً * وَ مَا لِرَمَانِنَا عَيْبٌ سِوَانَا		علت ناملایمات روزگار، رفتار نادرست انسان‌هاست	۴۹-۱-۸
			همه مردم، از زمانه عیب‌جویی می‌کنند و از آن بد می‌گویند، اما زمانه جز خود ما عیبی ندارد.		عادت مردم، عیب‌جویی از دیگران و نادیده گرفتن عیوب خود است	۵۰-۱-۸
		۲۹	نُعِيبُ زَمَانَنَا وَ الْعَيْبُ فِينَا * وَ لَوْ نَطْلُقُ الزَّمَانَ بِنَا هَجَانَا		ناراحتی روزگار از رفتار ناپسند انسان‌ها	۵۱-۱-۸
			ما بر زمانه عیب می‌گیریم، حال آن که عیب در ماست، اگر زمانه به سخن بیاید از ما بدگویی خواهد کرد.	رعایت اخلاق در جامعه	لزوم توجه به عیوب خود و اصلاح آن‌ها	۵۲-۱-۸
		۳۰	وَ إِنَّ الدُّنْبَ يَثْرُوكَ لَحِمَ ذَنْبٍ * وَ يَأْكُلُ بَعْضُنَا بَعْضاً عَيْنَانَا		رفتار برخی انسان‌ها از حیوانات نیز بدتر است	۵۳-۱-۸
			هیچ گرگی گوشت گرگ دیگر را نمی‌خورد، اما برخی از ما آشکارا گوشت برخی دیگری را می‌خوریم.		برخی انسان‌ها به همنوعان خود رحم نکرده و به آنها ظلم می‌کنند	۵۴-۱-۸
		۳۱	لَيْسَنَا لِلْخِدَاعِ مُسَوِّكٌ طَيْبٍ * وَ وَيْلٌ لِلْغَرِيبِ إِذَا أَتَانَا		پرهیز از فریبکاری با تظاهر به خوب بودن	۵۵-۱-۸
			ما از خود ظاهری فریبنده نشان می‌دهیم، پس وای بر غریبی که به سوی ما بیاید.		پرهیز از فریب دادن افراد غریبه	۵۶-۱-۸

روایت ششم	امام علی (علیه السلام)	۳۲	خَلَقْتَ الْخَلَائِقَ فِي قُدْرَةٍ * فَمِنْهُمْ سَخِيٌّ وَ مِنْهُمْ بَخِيلٌ	معرفی افراد جامعه	۵۷-۱-۸	خلقت همه انسان‌ها بر اساس یک فطرت مشترک و واحد است
			مردم بر يك فطرت و با قدرت يك خدا آفریده شده‌اند، لکن برخی بخشنده و پاره‌ای تنگ‌نظرند.		۵۸-۱-۸	مردم به دو دسته بخشنده و بخیل تقسیم می‌شوند
		۳۳	فَأَمَّا السَّخِيُّ فَفِي رَاحَةٍ * وَأَمَّا الْبَخِيلُ فَشَوْمٌ طَوِيلٌ		۵۹-۱-۸	افراد بخشنده در راحتی و آسایش هستند
			آن که سخی است پس در راحتی و آسایش است و آن که بخیل است در بدیمنی دور و دراز است.		۶۰-۱-۸	افراد بخیل در ناراحتی و آرزوهای دست نیافتنی هستند
روایت هفتم	اسماعیل بن قاسم	۳۴	كُنَّا نَأْمَلُ مَدَا فِي الْأَجَلِ * وَالْمَنَآيَا هُنَّ أَفَاتُ الْأَمَلِ	چیستی دنیا و مرگ	۶۱-۱-۸	مرگ، نابود کننده آرزوهای انسان است
			همه ما آرزو داریم که مرگ ما را مهلت دهد، در حالی که مرگ‌ها خود نابودکننده آرزوها هستند.		۶۲-۱-۸	مرگ به هیچ انسانی مهلت توبه و بازگشت نمی‌دهد
			لَا تَعُزُّكَ أَبَاطِيلُ الْمُنَى * وَالزَّمُ الْقَصْدُ وَدَعْ عُنْكَ الْعِلَلُ		۶۳-۱-۸	پرهیز از فریب خوردن با آرزوهای طولانی
		۳۵	آرزوهای دروغین تو را فریب ندهد و پایبند میانه روی باش و نادرستی و نادرستی را کنار گذار.		۶۴-۱-۸	توصیه به میانه‌روی و اعتدال در زندگی
			إِنَّمَا الدُّنْيَا كَيْطَلٌ زَائِلٌ * خَلَّ فِيهِ زَاكِبٌ ثُمَّ رَحَلَ		۶۵-۱-۸	اجتناب از کارهای نادرست
		۳۶	زیرا که دنیا سایه‌ای ناپایدار، [و کاروان‌سرایی است] که سواری در آن بار می‌اندازد و سپس کوچ می‌کند.		۶۶-۱-۸	اشاره به ناپایدار و زودگذر بودن زندگی دنیا
روایت هشتم	نامشخص	۳۷	نَعَى نَفْسِي إِلَى نَفْسِي الْمَشِيبِ * وَ عِنْدَ الشَّيْبِ يَنْعِظُ اللَّيْبُ	غنیمت شمردن فرصت‌ها	۶۸-۱-۸	نشانه زیرکی و هوشیاری، نصیحت‌پذیری است
			پیری و سپیدی مویم به من خبر مرگم را می‌دهد و شخص زیرک و هشیار هنگام پیری نصیحت‌پذیر است.		۶۹-۱-۸	انسان‌های پیر، نصیحت پذیرتر هستند
		۳۸	فَقَدْ وَلَّى الشَّبَابَ إِلَى مَدَا * فَلَسْتُ أَرَى مَوَاضِعَ يَتُوبُ		۷۰-۱-۸	هیچ بازگشتی در ایام زندگی انسان نیست
			آری ایام جوانی سپری شد و مدت‌ش به آخر رسید و دیگر بازگشتنی از آن به جای خود، نخواهم دید.		۷۱-۱-۸	هرکدام از ادوار زندگی انسان، مدت زمان مشخصی دارند

۷۲-۱-۸	اظهار ناراحتی و افسوس به خاطر از دست دادن فرصت جوانی	غنیمت شمردن فرصت‌ها	سَأُبْكِيهِ وَأَذْبُهُ طَوِيلًا * وَأَدْعُوهُ إِلَيَّ عَسَى يُجِيبُ	۳۹	نامشخص	روایت هشتم
۷۳-۱-۸	توصیه به غنیمت شمردن فرصت جوانی برای انجام عمل		در فراق و دوریش می‌گیرم و ناله سر می‌دهم و همواره او را می‌خوانم، باشد که بپذیرد و بازگردد.			
۷۴-۱-۸	هیچ بازگشتی در ایام زندگی انسان نیست		و هَيْهَاتَ الَّذِي قَدْ فَاتَ عَنِّي * ثَمَّيْنِي بِهِ النَّفْسُ الْكَذُوبُ	۴۰		
۷۵-۱-۸	نفس، انسان را با آرزوهای دروغین و محال فریب می‌دهد		و هیهات که آنچه را که از دست داده ام بازگردد، این نفس دروغزن مرا با آرزوی بازگشت آن وامی‌دارد.			
۷۶-۱-۸	ناراحتی انسان‌ها از پیری و فرسوده شدن		و رَاغَ الْغَانِيَاتِ بِنَاصِ رَأْسِي * وَ مَنْ مَدَّ الْبَقَاءَ لَهُ يَشِيبُ	۴۱		
۷۷-۱-۸	پیری و فرسوده شدن نتیجه عمر زیاد انسان است.		زنان زیبا و خوش اندام از موی سفید من می‌هراسند و هر کس که بودنش طول کشید پیر خواهد گشت.			
۷۸-۱-۸	بهره‌مند نشدن انسان‌های پیر از امکانات دنیایی		أَرَى الْبَيْضَ الْحَسَنَ يَجْدُفُ [يَجْدُنْ] عَنِّي * وَ فِي هَجْرَانِهِنَّ لَنَا نَصِيبُ	۴۲		
۷۹-۱-۸	جوانی انسان بسیار گذرا و سریع است		نکوربان سیمین تن را می‌نگرم که از من گریزانند و مفارقت و جدایی آنان ما را اکنون نصیب است.			
۸۰-۱-۸	غنیمت شمردن فرصت‌ها در همه حال		فَإِنْ يَكُنِ الشَّبَابُ مَضَى خَبِيبًا * فَإِنَّ الشَّيْبَ أَيْضًا لِي خَبِيبُ	۴۳		
۸۱-۱-۸	انسان‌ها در همه حال می‌باید وضعیت خود را دوست داشته باشند		پس اگر جوانی که اکنون گذشته است محبوب ما بود اینک پیری هم همچنان برای من محبوب است.			
۸۲-۱-۸	انسان‌ها در همه حال می‌باید مشغول انجام عمل صالح باشند	رابطه با خدا	سَأُصْحَبُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ حَتَّى * يُفَرِّقَ بَيْنَنَا الْأَجَلُ الْقَرِيبُ	۴۴	امام رضا (علیه السلام)	روایت نهم
۸۳-۱-۸	انسان‌ها در همه حال می‌باید تقوای الهی را رعایت کنند		من با همین پیری و سالخوردگی رفاقت کرده و دوست می‌شوم با پروای از خداوند تا اینکه اجل که چندان هم از آمدنش نمانده است فرارسد و میان من و او جدائی اندازد.			
۸۴-۱-۸	توصیه به شکرگزاری در همه حال		إِذَا كُنْتَ فِي خَيْرٍ فَلَا تَغْتَرَبْ بِهِ * وَ لَكِنْ قُلِ اللَّهُمَّ سَلِّمْ وَ تَمِّمْ			
۸۵-۱-۸	درخواست سلامتی و اتمام نعمت از خداوند در همه حال	وقتی در خوشی و راحتی، زندگی می‌کنی بدان مغرور مشو، بلکه بگو: خداوند! تنم را سالم و نعمتت را بر من تمام کن				
۸۶-۱-۸	پرهیز از غرور و غفلت					

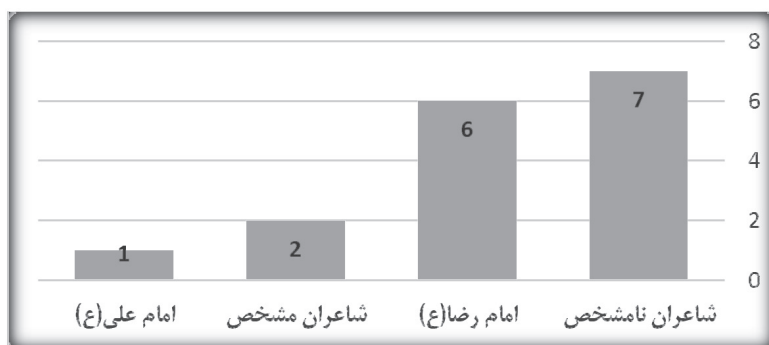
روایت دهم	شعرای گذشته	۴۶	مَتَى آتِيَهُ يَوْمًا لَا تُطْلَبُ حَاجَةٌ * رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَ وَجَّهِي بِمَايَه	چگونگی رابطه با مردم (عام)	توصیه به حفظ آبروی افراد نیازمند	۸۷-۱-A
			روزی به خاطر نیازی نزد شخص کریم آدم و با آبروی محفوظ نزد خانواده ام برگشتم		حفظ آبرو از کمک مالی مهم‌تر است	۸۸-۱-A
روایت یازدهم	امام رضا (علیه السلام)	۴۷	لَبِسْتُ بِالْعِفَّةِ ثَوْبَ الْغِنَى * وَ صِرْتُ أَمْشِي بِاِعْتِ وَ پاکی، لباس بی نیازی را پوشیدم، و سربلند زندگی کردم.	رعایت اخلاق در جامعه	توصیه به غنا و بی نیازی	۸۹-۱-A
					توصیه به عفت و پاکی	۹۰-۱-A
		۴۸	لَسْتُ إِلَى النَّاسِ مُسْتَأْنَسًا * لَكِنِّي أَنَسُ بِالنَّاسِ		پرهیز از ارتباط با افراد پست و نامرد	۹۱-۱-A
			با دیوان و نامردمان انس نگرفتم، اما با مردم انس و الفت داشتم		توصیه به انس و الفت با مردم	۹۲-۱-A
		۴۹	إِذَا رَأَيْتُ الثَّيْبَةَ مِنْ ذِي الْغَنَى * تَهْتُ عَلَى الثَّيْبِ بِأَلْيَاسِ		اطهار ناامیدی از افراد ثروتمند گمراه	۹۳-۱-A
			هنگامی که ثروتمند را سرگردان دیدم، از گمراه - خودخواه - نوید شدم		برخی از ثروتمندان در گمراهی هستند	۹۴-۱-A
		۵۰	مَا أَنْ تَفَاخَرْتُ عَلَى مُعْدِمٍ * وَلَا تَضَعُضْتُ لِإِفْلَاسٍ		عدم افتخار و دلخوشی به دنیای فانی	۹۵-۱-A
			هرگز به چیزی که نابودشدنی است، افتخار نکردم و برای ورشکستگی سست نشدم		عدم یأس و ناامیدی به خاطر شکست در زندگی	۹۶-۱-A
روایت دوازدهم	امام رضا (علیه السلام)	۵۱	وَقَبْرِ بَطْلُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ * تَوَقَّدَ فِي الْأَخْشَاءِ بِالْخُرْقَاتِ	مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)	اشاره به مظلومیت امام رضا (علیه السلام)	۹۷-۱-A
			قبری در شهر طوس است که وامصیبتا از آن که مصیبت‌های صاحب آن قبر تا آخر الزمان در اعضا و رگ و ریشه بدن شعله می‌زند		اشاره به ناراحتی شیعیان از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)	۹۸-۱-A
		۵۲	إِلَى الْخَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا * يُفْرِجُ عَنَّا الْهَمَّ وَ الْكُرْبَاتِ		اشاره به ظهور حضرت قائم (علیه السلام) در آینده	۹۹-۱-A
			تا اینکه خداوند قائم (علیه السلام) را از ما اهل بیت برمی‌انگیزد و او از ما غمگساری و رنج‌زدایی می‌کند.		اشاره به انتقام‌گیری حضرت قائم (علیه السلام) از دشمنان	۱۰۰-۱-A

۱۳-۱. تحلیل محتوای کمی احادیث شعری رضوی

بررسی‌های تاریخی و حدیثی نشان می‌دهد که در کتب حدیثی ۱۲ روایت پیرامون اشعار امام رضا (ع) نقل شده که شامل ۱۶ مجموعه شعری مشتمل بر ۵۲ بیت شعر است. نویسندگان توانسته‌اند با استفاده از روش تحلیل محتوا، از مجموع این ۵۲ بیت شعر، در حدود ۱۰۰ مضمون استخراج نمایند.

مجموعه شعری شامل ۲۰ بیت از این اشعار سروده آن حضرت بوده و دیگر اشعار متعلق به شاعران دیگر است. از این میان نام سه نفر از شعرا به نام‌های امام علی (ع)، اسماعیل بن قاسم و مروان بن ابی حفصه مشخص است که امام رضا (ع) در کلام خود در مجموع ۶ بیت از کلام ایشان اقتباس کرده‌اند. شاعر بقیه اشعار نیز مشخص نیست که نمودار آن بدین صورت است:

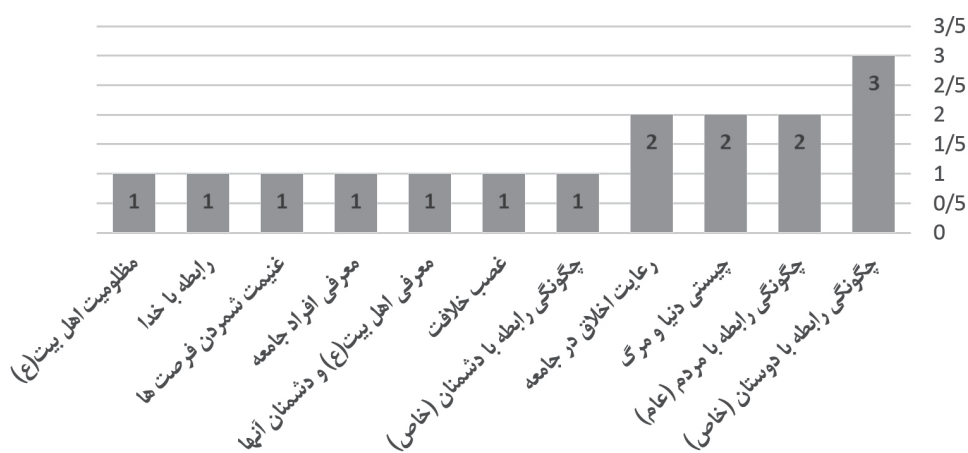
نمودار ۱: سنجش فراوانی شاعران



بررسی مجموعه شانزده گانه احادیث شعری رضوی محققان را به شناسایی و استخراج ۱۶ موضوع اصلی برای این اشعار رهنمون کرده که در مباحث تخصصی روش تحلیل محتوا به آن‌ها به اصطلاح «جهت‌گیری» متن گفته می‌شود. این عناوین که ایده و پیام اصلی متن هستند با توجه به اصل «تبادر» به ذهن مخاطب خطور می‌کنند. البته در برخی

از کتاب‌های روش تحقیق از این اقدام به «برچسب‌زنی»^۱ یا «کدگذاری»^۲ تعبیر شده است (هولستی، ۱۳۷۳: ۵۶). نمودار سنجش فراوانی و احصای این موضوعات به صورت ذیل است:

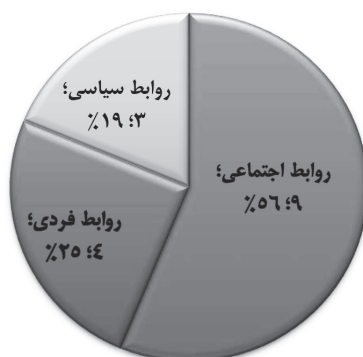
نمودار ۲- سنجش فراوانی جهت‌گیری‌های احادیث شعری رضوی



طبقه‌بندی جهت‌گیری‌های مستخرج از تحلیل احادیث شعری رضوی نشان می‌دهد که از ۱۶ موضوع اصلی استخراج شده، ۹ مجموعه (۵۶ درصد) به موضوع چگونگی روابط اجتماعی انسان با دیگران، چهار مجموعه (۲۵ درصد) به موضوع امور فردی و اعمال عبادی انسان و سه مجموعه (۱۹ درصد) نیز به مسئله غصب خلافت توسط حاکمان ظالم و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام اشاره دارند. به همین دلیل مجموع ۱۶ جهت‌گیری اصلی احادیث شعری رضوی ذیل سه مقوله: روابط اجتماعی، روابط فردی و روابط سیاسی طبقه‌بندی شده‌اند که نمودار آن‌ها بدین شرح است:

1. Labeling
2. Coding

نمودار ۳- سنجش فراوانی مقوله‌های احادیث شعری رضوی



این مقوله‌ها با توجه به جهت‌گیری‌های متن استخراج شده و به عبارتی، گویای ماهیت کلی مجموعه احادیث شعری رضوی است. این مقوله‌ها، راهگشای فهم مجموعه متون بوده و در بخش تحلیل کیفی لازم است با توجه به آن‌ها، نقاط تمرکز متن، توضیح داده شود که در ادامه بیان خواهد شد.

۱-۴-۱. تحلیل محتوای کیفی احادیث شعری رضوی

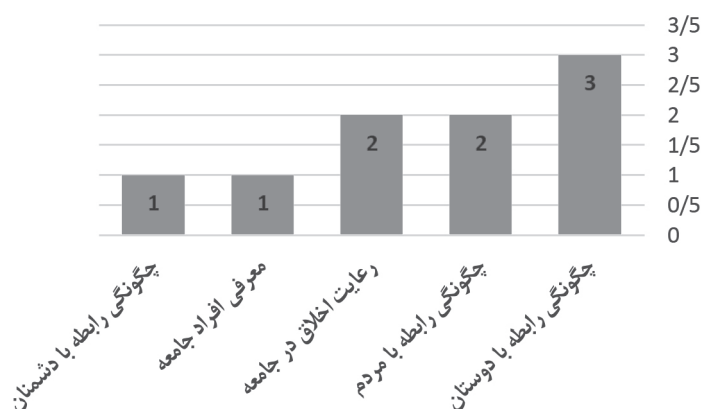
از آن جاکه مقوله «روابط اجتماعی» بیشترین فراوانی را در میان احادیث شعری رضوی دارد، لذا در این بخش ابتدا از این مقوله شروع کرده و مباحث مربوط به این بخش بیان می‌شود.

۱-۴-۱-۱. مقوله روابط اجتماعی در احادیث شعری رضوی

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، ۹ مجموعه از اشعار شانزده‌گانه رضوی به موضوعاتی می‌پردازد که دسته‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها در کنار همدیگر می‌تواند ما را به سمت مقوله «روابط اجتماعی» رهنمون سازد. در این جا منظور از روابط اجتماعی، کلیه اموری است

که به چگونگی تعامل و مواجهه افراد با دیگر انسان‌ها در جامعه می‌پردازد و مسائلی را در این خصوص بیان می‌کند. از آن جاکه شعر، قدرت انتقال مفاهیم بیشتری نسبت به خطابه دارد، لذا به نظر می‌رسد امام (علیه السلام) در مواجهه خود با مردم از این ابزار بیانی بسیار مهم استفاده کرده و به‌ویژه بخش عمده‌ای از آداب و خُلقیات اجتماعی را بدین‌وسیله به مردم متذکر شده‌اند. موضوعات اصلی مطرح شده ذیل این بخش بدین شرح است:

نمودار ۴: سنجش فراوانی مقوله روابط اجتماعی



الف. معرفی افراد جامعه

امام رضا (علیه السلام) با استناد به شعری از امام علی (علیه السلام) به نقل از پدران بزرگوارشان، ضمن بیان این مطلب بسیار مهم که خلقت همه انسان‌ها بر اساس یک فطرت مشترک و واحد است (A-۱-۵۷)، مردم جامعه را به دو دسته بخشنده و بخیل تقسیم کرده (A-۱-۵۸) و در ادامه وضعیت و سرانجام هرکدام را مشخص می‌نمایند:

۱. افراد بخشنده در راحتی و آسایش هستند (A-۱-۵۹)،

۲. اما افراد بخیل در ناراحتی و آرزوهای دست‌نیافتنی هستند (A-۱-۶۰).

این بیان حضرت بدین معناست که در یک رابطه دوگانه، مردم می‌باید به منظور نیل به راحتی و آسایش، بخشش و سخاوت را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه اخلاقی خود در جامعه، در پیش بگیرند و در عین حال به این نکته توجه داشته باشند که این انتخاب، انتخابی بر اساس فطرت مشترک و واحد همه انسان‌هاست و آن کسانی که مسیر برعکس یعنی بخل و تنگ‌نظری را انتخاب کرده‌اند، مسیری برخلاف فطرت رفته‌اند.

ب. تبیین چگونگی رابطه با مردم

پس از تبیین یک رابطه دوگانه در کلام امام رضا (ع) برای تقسیم مردم به دو گروه، در مجموعه شعری دیگری از امام (ع) شاهد آن هستیم که نحوه مواجهه با مردم را در یک رابطه چهارگانه چنین تبیین کرده‌اند:

۱. چگونگی مواجهه با افراد پست و حقیر: امام رضا (ع) توصیه می‌کنند که از مجادله با افراد پست و حقیر پرهیز کنیم (A-۱-۱) چراکه مجادله با افراد حقیر، شأن انسان را کاهش می‌دهد (A-۱-۲).

۲. چگونگی مواجهه با افراد خردمند و عاقل: امام رضا (ع) توصیه می‌کنند که رفتار مسالمت‌آمیزی با افراد خردمند و عاقل داشته باشیم (A-۱-۳) چراکه حلم و بردباری در برابر این گروه، باعث افزایش شأن انسان می‌شود (A-۱-۴).

۳. چگونگی مواجهه با افراد والامقام و بزرگسال: امام رضا (ع) توصیه به رعایت ادب و احترام نسبت به افراد والامقام و بزرگسال کرده (A-۱-۵) و رعایت ادب را در مقابل بزرگان، لازم می‌دانند.

۴. چگونگی مواجهه با افراد فقیر و نیازمند: امام رضا (ع) توصیه می‌کنند که در مواجهه با افراد نیازمند، اولین اقدام لازم و ضروری، حفظ آبروی آن‌هاست (A-۱-۸۷) چراکه حفظ آبروی افراد نیازمند، از کمک مالی برای آنان مهم‌تر است (A-۱-۸۸).

همه این مفاهیم و عبارات، از مضامین اشعار منقول توسط امام رضا (ع) به دست آمده

است و کدهای شناسه مقابل هر جمله به خوبی نشان می‌دهد که این مضمون از کدامین بیت، استخراج شده است.

ج. تبیین چگونگی رابطه با دوستان

همان گونه که نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد، موضوع چگونگی رابطه با دوستان، دارای بیشترین فراوانی در بخش روابط اجتماعی است. امام رضا (علیه السلام) در ضمن سه مجموعه شعری شامل ۱۰ بیت به چندین مسئله مهم درباره چگونگی مواجهه و ارتباط با دوستان به عنوان گروهی خاص از انسان‌هایی که با هر شخص در ارتباط هستند، پرداخته‌اند که عبارتند از:

۱. تلاش برای تداوم رابطه دوستی: به نظر می‌رسد امام رضا (علیه السلام) قصد داشته‌اند با تأکید بر اشعاری خاص، به موضوع اهمیت تداوم رابطه دوستی افراد در جامعه (A-۱-۱) - اشاره کرده و توصیه‌های مهمی در این زمینه بیان کنند مانند: تلاش برای شناسایی عوامل اختلاف و تفرقه در جامعه (A-۱-۷)، پرهیز از تندی و سرزنش دوستان (A-۱-۸)، توصیه به مدارا و ملایمت با دوستان (A-۱-۹)، توصیه به پذیرش عذر دیگران (A-۱-۴۳) و توصیه به نادیده گرفتن اشتباهات و عیوب دیگران (A-۱-۴۴).

۲. تلاش برای حفظ اسرار دوستان: از جمله توصیه‌های مهم امام رضا (علیه السلام) که در اشعار خود بر آن تأکید کرده‌اند، توصیه به فراموشی اسرار دیگران به دلیل افشا نشدن آن است (A-۱-۱۹)، چرا که بهترین راه حفظ اسرار، فراموش کردن آن‌هاست (A-۱-۲۰) و به خاطر آوردن اسرار دیگران، زمینه‌ساز افشای اسرار آن‌ها می‌شود (A-۱-۲۱). به نظر می‌رسد این موضوع مهم ارتباط مستقیمی با مسئله تقیه و حفظ اسرار شیعیان در دوران اختناق بنی عباس داشته باشد.

۳. چگونگی مواجهه با دوستان نادان: موضوع دیگری که امام رضا (علیه السلام) در اشعار خود بدان توجه کرده‌اند، مسئله چگونگی مواجهه با دوستان نادان است. ایشان اگرچه به

همگان هشدار می‌دهند که از دوستی با افراد نادان و زورگو پرهیز کنند (A-۱-۱۰) اما از آن‌جا که ممکن است این مسئله مبتلا به کسی باشد، افراد را به سکوت (A-۱-۱۱) و صبر در برابر دوستان نادان و رفتار نادرست دیگران (A-۱-۴۵ و A-۱-۴۶) دعوت کرده و معتقدند که سکوت، بهترین پاسخ برای افراد نادان و ابله است (A-۱-۱۲). بی‌شک این مضمون کلام امام (علیه السلام) بر خاسته از آیه «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان: ۶۳) است.

د. تبیین چگونگی رابطه با دشمنان

یکی از نکات قابل توجه در احادیث شعری رضوی آن است که آن حضرت در بخشی از اشعار مقتبس خود تلاش کرده‌اند تا چگونگی مواجهه با دشمنان و مخالفان را نیز به مردم جامعه آموزش دهند. توصیه کلی و عمومی آن حضرت در بسیاری از اشعار، توصیه به عفو و گذشت در روابط اجتماعی (A-۱-۱۴) و همگان را به لزوم فراگرفتن اخلاق نیک و بخشش از بزرگان دینی (A-۱-۱۶) دعوت کرده‌اند که به نظر می‌رسد نمونه اتم و اکمل آن، اهل بیت (علیهم السلام) و شخص خود ایشان باشند.

ایشان در ادامه، بهترین راه برای برطرف کردن کینه‌های قدیمی را دوستی و مهربانی دانسته (A-۱-۱۷) و بسیار بر رفتار مسالمت‌آمیز با افراد شرور و فریبکار (A-۱-۱۳)، پاسخگویی به اعمال زشت دیگران با رفتار نیک و بخشش (A-۱-۱۵)، عفو و گذشت در مخاصمات و دشمنی‌ها (A-۱-۱۸) و صبر نسبت به ظلم و ستم دیگران (A-۱-۴۷) توصیه کرده و در پایان نیز می‌فرمایند که ظلم ظالمان و ستم دشمنان را به خداوند حسابگر واگذار کنید (A-۱-۴۸) که او بهترین حساب‌برسان و انتقام‌گیرندگان است.

ح. تبیین اصول اخلاقی روابط اجتماعی

بخشی از احادیث شعری رضوی متضمن نکاتی است که توجه به آن‌ها می‌تواند ما را با اصول اخلاقی مدنظر امام رضا (علیه السلام) در روابط اجتماعی آشنا کند. آنچه توسط مؤلفان در

تحلیل محتوای احادیث شعری رضوی به عنوان اصول اخلاقی روابط اجتماعی از منظر امام رضا (علیه السلام) به دست آمده، عبارت است از:

۱. توصیه به انس و الفت با مردم (A-۱-۹۲)،
 ۲. عیب جویی نکردن از دیگران (A-۱-۵۰) و توجه به عیوب خود و اصلاح آن‌ها (A-۱-۵۲)،
 ۳. رعایت حقوق انسانی؛ چرا که علت ناملایمات روزگار، رفتار نادرست انسان‌هاست (A-۱-۴۹ و A-۱-۵۱) و رفتار برخی انسان‌ها از حیوانات نیز بدتر است (A-۱-۵۳) و حتی به ممنوعان خود رحم نکرده و به آن‌ها ظلم می‌کنند (A-۱-۵۴)،
 ۴. پرهیز از ارتباط با افراد نامرد (A-۱-۹۱) و فریبکار (A-۱-۵۵) که با تظاهر به خوب بودن و نفاق، به دنبال فریب دادن افراد غریبه هستند (A-۱-۵۶)،
 ۵. توصیه به غنا و بی‌نیازی (A-۱-۸۹) و رعایت عفت و پاکی (A-۱-۹۰) چرا که بسیاری از ثروتمندان به دلیل اتراف و غفلت، گمراه شده‌اند (A-۱-۹۳ و A-۱-۹۴)،
 ۶. دلخوش نبودن به دنیای فانی (A-۱-۹۵) و ناامید نشدن به خاطر شکست در زندگی (A-۱-۹۶).
- بی‌شک اگر چه می‌توان مجموعه کاملی از اصول اخلاقی را از احادیث گهربار امام رضا (علیه السلام) استخراج نمود اما این که آن امام همام تلاش کرده باشند تا مضامینی خاص را با استفاده از قالب بیانی شعر که اثرگذاری و ماندگاری بیشتری دارد به مخاطبان خود انتقال دهند، نشان از اهمیت این مضامین خاص داشته و به همین دلیل توجه به نکات یادشده می‌تواند راهگشای افراد در تعاملات اجتماعی خود با دیگران باشد.

۱-۱۴-۲. مقوله روابط فردی در احادیث شعری رضوی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، در میان احادیث شعری رضوی، چهار مجموعه شامل ۱۶ بیت، به موضوعاتی می‌پردازند که تجمیع و دسته‌بندی آن‌ها در کنار همدیگر

ما را به سمت مقوله «روابط فردی» رهنمون می‌سازد. منظور از این مقوله، مجموعه عبارات و پیام‌هایی از متن است که به مسائل فردی و شخصی انسان توجه داشته و هر انسانی به تنهایی می‌باید درباره آن‌ها اندیشه داشته و عمل کند. دسته‌بندی موضوعاتی که در احادیث شعری رضوی بیان شده، به شرح ذیل است:

الف. اشاره به ناپایداری دنیا و فرار رسیدن مرگ

امام رضا (علیه السلام) در بخشی از اشعار خود تلاش دارند تا ماهیت حقیقی دنیا را به مردم متذکر شوند. ایشان با بیان این مطلب که زندگی دنیا بسیار کوتاه و گذراست (A-۱-۴۰)، به ناپایدار و زودگذر بودن زندگی دنیا اشاره کرده (A-۱-۶۶) و اینکه چون مدت زمان زندگی انسان‌ها در دنیا بسیار اندک و کوتاه است (A-۱-۶۷)، پس لازم است که فریب آرزوهای طولانی در دنیا را نخوردند (A-۱-۶۳) چراکه نفس، انسان را با آرزوهای دروغین و محال فریب می‌دهد (A-۱-۷۵).

اشاره به کوتاهی و ناپایداری دنیا، همه انسان‌ها را متوجه مرگ و انتقال به جهان آخرت می‌کند. به همین دلیل امام (علیه السلام)، همگان را نسبت به فرار رسیدن مرگ و اتمام زندگی دنیایی هشدار داده (A-۱-۳۷) و بیان می‌کنند که مرگ، نابود کننده آرزوهای انسان است (A-۱-۳۸ و A-۱-۶۱) و به هیچ انسانی مهلت توبه و بازگشت نمی‌دهد (A-۱-۶۲).

ب. توصیه به غنیمت شمردن فرصت حیات دنیایی

امام رضا (علیه السلام) پس از اشاره به ناپایداری زندگی دنیا، در ادامه به این موضوع اشاره می‌کنند که هیچ بازگشتی در ایام زندگی انسان نیست (A-۱-۷۰ و A-۱-۷۴) و از آن جاکه هر کدام از ادوار زندگی انسان، مدت زمان مشخصی دارند (A-۱-۷۱)، لذا همگان را به غنیمت شمردن فرصت جوانی برای انجام عمل در دنیا توصیه می‌کنند (A-۱-۷۳). ایشان با بیان این مطلب که دوره جوانی انسان، دوره‌ای است که سریع می‌گذرد (A-۱-۷۹) و بسیاری از افراد به خاطر پیر و فرسوده شدن ناراحت بوده (A-۱-۷۶) و افسوس می‌خورند

که چرا این دوره به پایان رسیده (A-۱-۷۲) و دیگر نمی‌توانند همانند دوره جوانی، از امکانات دنیایی استفاده کنند (A-۱-۷۸)، لذا با طبیعی شمردن پیر و فرسوده شدن به علت عمر زیاد انسان (A-۱-۷۷)، مجدد همگان را به غنیمت شمردن فرصت‌ها در همه حال تشویق کرده (A-۱-۸۰) و متذکر می‌شوند که انسان‌ها در همه حال می‌باید وضعیت خود را دوست داشته باشند (A-۱-۸۱).

نکته حائز اهمیت در این بخش، آن است که امام (علیه السلام) تلاش دارند ضمن تشویق جوانان برای غنیمت شمردن فرصت و انجام عمل صالح، به تحریک احساسات افراد کهن سال نیز پرداخته و آنان را نیز برای انجام عمل صالح و توبه تشویق کنند، لذا در بخشی از کلام خود به این مطلب اشاره می‌کنند که انسان‌های پیر، نصیحت پذیرتر هستند (A-۱-۶۹) و نشانه زیرکی و هوشیاری انسان، نصیحت‌پذیری اوست (A-۱-۶۸) و سپس توصیه‌ها و نصیحت‌هایی را بیان می‌کنند که در ادامه خواهد آمد.

ج. توصیه به توبه و انجام عمل صالح در دنیا

امام رضا (علیه السلام) پس از آنکه مردم را با ماهیت حقیقی دنیا و ناپایداری وفانی بودن آن آشنا کرده و آن‌ها را متوجه مرگ و جهان آخرت کرده و به غنیمت شمردن فرصت زندگی در دنیا تشویق می‌نماید، در ادامه، مجدد متذکر این مطلب می‌شوند که مرگ، به هیچ انسانی مهلت توبه و بازگشت نمی‌دهد (A-۱-۶۲)، لذا لازم است ضمن پرهیز از ارتکاب گناه و موکول کردن توبه به آینده (A-۱-۳۹)، هرچه سریع‌تر روش انسان‌های عاقل را انتخاب کرده و به انجام عمل صالح و توبه روی آورند (A-۱-۴۱)، چرا که آینده‌نگری یعنی تعجیل در توبه (A-۱-۴۲).

ایشان در ادامه می‌فرمایند که دنیا محل عمل و آخرت محل محاسبه اعمال است (A-۱-۳۶)، لذا همگان را به انجام عمل در مدت زمان محدود زندگی دنیایی (A-۱-۳۵)، میانه‌روی و اعتدال در زندگی (A-۱-۶۴)، اجتناب از انجام کارهای نادرست (A-۱-۶۵) توصیه کرده و با تأکید بسیار می‌فرمایند که انسان‌ها در همه حال می‌باید مشغول انجام

عمل صالح (A-۱-۸۲) و رعایت تقوای الهی باشند (A-۱-۸۳).

ایشان در بیت شعری خاص که سروده خود آن حضرت بوده و گویا دایم تکرار می کردند، به علاقه‌مندان و محبان خود توصیه می کنند که با پرهیز از غرور و غفلت (A-۱-۸۶)، در همه حال شکرگزار بوده (A-۱-۸۴) و از خداوند متعال درخواست سلامتی و اتمام نعمت (A-۱-۸۵) داشته باشند.

۱-۴-۳. مقوله روابط سیاسی در احادیث شعری رضوی

بخش سوم از مجموعه مضامین مستخرج از احادیث شعری رضوی به موضوع خلافت و حاکمیت جامعه اسلامی و اختلاف میان اهل بیت (علیهم السلام) با بنی عباس و بنی امیه اشاره داد و به همین دلیل این بخش از مضامین ذیل مقوله «روابط سیاسی» طبقه‌بندی شده‌اند.

نکته بسیار قابل توجه و ویژه در این بخش آن است که همه اشعار این قسمت، سروده امام رضا (علیه السلام) است و شخص ایشان به این نکات مهم اشاره کرده‌اند. آن حضرت پس از آنکه به شعر «مروان بن ابی حفصه» اشاره کرده و تعجب وی از غصب حق خلافت اهل بیت (علیهم السلام) توسط بنی عباس (A-۱-۲۲) و مخالفت مردم با این جریان (A-۱-۲۳) را گوشزد کرده، به سه موضوع مهم اشاره می کند:

الف. معرفی دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)

بی‌شک لازمه مبارزه با دشمن، ابتدا دشمن‌شناسی است. امام رضا (علیه السلام) در اشعار خود تلاش کرده‌اند با استناد به گزارش‌های موثق و معتبر تاریخی که برای همگان مبرهن و واضح است، به معرفی چهره حقیقی دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) به‌ویژه خاندان بنی عباس پرداخته و ماهیت تزویر و نفاق آنان را نشان دهند. آن حضرت با اشاره به وقایع تاریخی جنگ‌های صدر اسلام از جمله جنگ بدر در سال ۲ قمری و فتح مکه در سال ۹ قمری (A-۱-۲۸) به این موضوع اشاره کنند که اجداد خاندان‌های بنی امیه و بنی عباس در این جنگ‌ها در صف دشمنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان بوده و پس از آنکه اسیر شدند،

از ترس مرگ و کشته شدن، اظهار اسلام کرده و همین مطلب نشان می‌دهد که آن‌ها مسلمان حقیقی نیستند (A-۱-۲۷)، بلکه همچنان مشرک هستند (A-۱-۲۴).

استناد تاریخی دیگر حضرت آن است که این دو خاندان با محروم کردن امام علی (علیه السلام) و فرزندان بزرگوارش از خلافت، در حق آنان ظلم و خلافت را غصب کردند (A-۱-۲۶) که این مطلب نیز با اشاره به فرجام بد خاندان بنی عباس (A-۱-۳۴) تکمیل شده و در نهایت امام (علیه السلام) چنین نتیجه می‌گیرند که بنی عباس شایسته خلافت نیستند (A-۱-۲۵).

ب. معرفی جایگاه اهل بیت (علیهم السلام)

بخش دوم مضامین حاصل از تحلیل محتوای احادیث شعری رضوی به مسئله معرفی جایگاه و مقام اهل بیت (علیهم السلام) و نیز تبیین حقوق ایشان در جامعه اسلامی اختصاص دارد. امام رضا (علیه السلام) در این قسمت عمدتاً به آیات قرآن کریم استناد کرده و مردم را به این کتاب آسمانی و مشترک میان همه مسلمانان ارجاع می‌دهند.

۱. تبیین مشروعیت اهل بیت (علیهم السلام) برای حکومت: امام رضا (علیه السلام) در مرحله اول تلاش می‌کنند با بیان این مطلب که مقام و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) (A-۱-۲۹) و نیز حق خاص ایشان برای خلافت و سرپرستی مؤمنان در قرآن کریم بیان شده است (A-۱-۳۰)، مشروعیت ولایت و حکومت این گروه را تبیین نموده و به فضیلت ایشان بر دیگر انسان‌ها اشاره نمایند.

۲. تبیین مقبولیت اهل بیت (علیهم السلام) برای حکومت: در مرحله دوم نیز تلاش دارند با اشاره خاص به حق ولایت و خلافت امام علی (علیه السلام) (A-۱-۳۱) و آشکار بودن فضیلت و شخصیت ایشان برای همه مسلمانان صدر اسلام تاکنون (A-۱-۳۳)، مقبولیت خلافت و حکومت اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه اسلامی را تبیین نموده (A-۱-۳۲) و مسیر حکومت ایشان را هموار کنند.

بر مبنای آموزه‌های دینی و علوم بشری مانند دانش سیاست و جامعه‌شناسی می‌دانیم

که دو پایه مهم حکومت و خلافت در نظام اسلامی، مشروعیت و مقبولیت داشتن حاکم است و هر زمان یکی از این دو رکن، ناقص یا حذف شوند، عملاً آن حاکم نمی تواند به حکومت خود در نظام اسلامی ادامه دهد. علت سکوت ۲۵ ساله امام علی (علیه السلام) نیز نبود مقبولیت دانسته شده است چراکه مشروعیت خلافت ایشان از زمان حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تبیین شده بود و هیچ کس در آن شک نداشت.

ج. زمینه سازی برای احقاق حق اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از مهم ترین اشعار سروده شده توسط امام رضا (علیه السلام) که اکثر شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) با آن آشنا هستند، دو بیت شعری است که امام (علیه السلام) در وسط قصیده دعبل خزاعی درباره مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) اضافه نموده و در آن ابیات به مظلومیت خاص خود و نیز مسئله ظهور حضرت مهدی (عج) به منظور انتقام گیری از دشمنان و احقاق حقوق از دست رفته اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می کنند. به نظر می رسد این دو مضمون کلیدی در واقع بخش کوچکی از اقدامات امام (علیه السلام) به منظور زمینه سازی برای احقاق حقوق از دست رفته اهل بیت (علیهم السلام) باشد که فراتر از احادیث و خطبه ها و مناظرات ایشان، این بار در قالب بیانی شعر تجلی پیدا کرده است.

در این ابیات امام رضا (علیه السلام) تلاش می کنند تا دو مطلب مهم و اساسی را به عنوان اقدامات لازم و شایسته جهت زمینه سازی به حاکمیت رسیدن اهل بیت (علیهم السلام) و بازگشت حقوق ایشان در جامعه اسلامی تبیین نمایند:

۱. تبیین مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام): در مرحله اول امام (علیه السلام) سعی بر آن دارند تا با اشاره به مظلومیت تاریخی اهل بیت (علیهم السلام) (A-۱-۹۸) و به ویژه مظلومیت خاص خودشان و اینکه در کجا به شهادت رسیده و دفن خواهند شد (A-۱-۹۷) به سرگذشت دردناک اهل بیت (علیهم السلام) و تحریک احساسات مردم پرداخته و از این رهگذر، نام و یاد اهل بیت (علیهم السلام) را برای همیشه در تاریخ جاودان کنند. می دانیم که فطرت حقیقت جوی و عدالت جوی انسان ها همیشه به دنبال دفاع از مظلومان و مستضعفان بوده و ظلم و جنایت هیچ گاه در تاریخ فراموش

نخواهد شد، لذا به همین دلیل است که مظلومیت امام حسین (علیه السلام) هیچ‌گاه در طول تاریخ کمرنگ نشده و حتی غیرمسلمانان نیز داغدار این غم بزرگ هستند.

۲. امیدبخشی نسبت به آینده با طرح مسئله ظهور منجی: گام دوم امام رضا (علیه السلام) برای زمینه‌سازی حاکمیت اهل بیت (علیهم السلام) بر جامعه اسلامی، طرح مسئله ظهور حضرت قائم (علیه السلام) به عنوان منجی و نجات‌بخش همه انسان‌ها برای انتقام‌گیری، مبارزه با دشمنان و حکومت بر جامعه اسلامی است (A-۱-۹۹ و A-۱-۱۰۰). بی‌شک اگر صرفاً به مظلومیت و ظلم واردشده به اهل بیت (علیهم السلام) و مستضعفین جهان بپردازیم، این مطلب برای انسان ایجاد یأس و ناامیدی می‌کند از اینکه همیشه ظالمان در پرتو قدرت و ثروت پیروز بوده و مظلومان مجبور به پذیرش شکست و ظلم هستند، اما اعتقاد همه پیروان ادیان و مذاهب آسمانی بر این است که در نهایت با ظهور منجی، بساط ظلم برچیده شده و حق مظلومان و مستضعفان به آنان عطا خواهد شد. اعتقاد به ظهور منجی، امیدبخش‌ترین آموزه همه ادیان الهی است و فقط به دین اسلام و مذهب شیعه اختصاص ندارد. طرح این مسئله باعث می‌شود انگیزه انسان‌ها برای باقی ماندن در مسیر حق و تحمل سختی‌ها برای نیل به مدینه فاضله، همچنان حفظ شده و برای زمینه‌سازی حاکمیت حق تلاش کنند.

نتیجه‌گیری

۱. شعر به دلیل ظرفیت اثرگذاری بالا و ماندگار بر مخاطب، مورد توجه امام رضا (علیه السلام) بوده و در مجموع از این رهگذر، آموزه‌های مهمی از ناحیه آن حضرت به دست ما رسیده است.

۲. بیش از نیمی از مضامین اشعار نقل شده از امام رضا (علیه السلام) مربوط به روابط اجتماعی انسان با دیگران است که ضمن معرفی افراد جامعه در دو دسته افراد بخشنده و افراد بخیل، چگونگی رابطه با گروه‌های چهارگانه و دوستان و دشمنان را بیان و اصول اخلاقی در روابط اجتماعی را تبیین فرموده است.

۳. یک چهارم مضامین به امور فردی و اعمال عبادی انسان مربوط است. که امام ضمن اشاره به ناپایداری دنیا و فرارسیدن مرگ، به غنیمت شمردن فرصت حیات دنیایی و توبه و انجام عمل صالح در دنیا توصیه فرموده است.

۴. حدود ۲۰ درصد مضامین اشعار به مسئله غصب خلافت توسط حاکمان ظالم و دشمنان اهل بیت (ع) اشاره دارد که امام (ع) افزون بر معرفی دشمنان اهل بیت (ع)، به معرفی جایگاه اهل بیت (ع) و تبیین مشروعیت و مقبولیت اهل بیت (ع) برای حکومت پرداخته و همچنین با بیان مظلومیت اهل بیت (ع) و امیدبخشی به آینده با طرح مسئله ظهور منجی، به زمینه‌سازی برای احقاق حق اهل بیت (ع) دست زده است.

۵. تنوع و ترکیب مباحث نشان می‌دهد که ائمه (ع) ضمن تأکید بر اخلاق و انسان‌سازی در عرصه فرد و اجتماع، هرگز از روشننگری در مسئله سیاست و بیان حق الهی خود و ظلم دشمنان اهل بیت (ع) خودداری نکرده‌اند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). مناقب آل أبي طالب (علیه السلام). قم: نشر علامه.
- ابن عبد ربه، ابوعمر. (۱۴۰۴ق). العقد الفريد. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بيروت: دارالفکر.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عيون أخبار الرضا (علیه السلام). تهران: نشر جهان.
- _____ (بی تا). عيون أخبار الرضا (علیه السلام). ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. بی جا: نشر صدوق.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
- امینی، عبدالحسین. (۱۴۱۶ق). الغدير. قم: مرکز الغدير.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۵). تحلیل محتوا. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۰۷ق). عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآیات والاخبار والاقوال. قم: مدرسه الامام المهدي.
- جانی پور، محمد. (۱۳۹۰). اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین (علیه السلام) و معاویه. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- جانی پور، محمد؛ شکرانی، رضا. (۱۳۹۲). «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث». مجله پژوهش های قرآن و حدیث. س ۴۶. ش ۲. صص: ۲۷-۵۷.
- جرداق، جرج. (بی تا). من روائع نهج البلاغة. بيروت: دار العلم.
- جریری نهروانی، أبو الفرج. (۱۴۲۶ق). المجلس الصالح الکافي والأئیس الناصح الشافي. بيروت: دارالکتب العلمیة.
- ذهبی، شمس الدین. (۱۴۲۷ق). سیر اعلام النبلاء. قاهره: دارالحدیث.
- سلفی اصفهانی، صدرالدین. (بی تا). معجم السفر. مکه: المكتبة التجارية.
- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۸۲ق). تعلیقه بر شرح الکافی مولی صالح مازندرانی. تهران: المكتبة الإسلامية.
- عترت دوست، محمد. (۱۳۹۷). «تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی «قدرت»؛ تلاشی برای فهم الگوی «قدرت نرم» در قرآن کریم». دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث. س ۱۲. ش ۱. پیاپی ۲۳. صص: ۷۹-۱۱۰.
- فهری، ابوبکر محمد بن محمد. (۱۳۸۹ق). سراج الملوک. مصر: المطبوعات العربية.
- فیروزان، توفیق. (۱۳۶۰). روش تحلیل محتوا. تهران: نشر آگاه.
- فیض کاشانی، ملا محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام).
- کرپیندورف، کلوس. (۱۳۷۸). مبانی روش شناسی تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: نشر نی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام). بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه کوشانپور.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإختصاص. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- موسوی، کاظم عبد فریح. (بی تا). الإقتباس والتضمین فی نهج البلاغة. عراق: دانشگاه میسان.
- هولستی، آل. آر. (۱۳۷۳). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.